



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۸۰	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۸۰
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجمین ۲۰ آبان ماه ۱۳۰۸ مطابق ۱۸ جادی التائیه ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمت اشتراك مجلس ایران سابقه ده تومان خارج ده دوازده تومان قیمت تک شماره يك قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۸ * (۱۸ جمادی الثانیه ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تقدیم لایحه صلاحیت دیوان جزا و اختیارات مدعی العموم
- ۳) تقدیم لایحه جاوگیری از قاچاق تریاک
- ۴) مذاکره و تصویب لایحه صلاحیت دیوان جزا و اختیارات مدعی العموم
- ۵) مذاکره لایحه جاوگیری از قاچاق تا ماده ۴
- ۶) معرفی آقایان وزیر امور خارجه و وزیر مالیه
- ۷) بقیه مذاکرات لایحه جاوگیری قاچاق
- ۸) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس بکساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۶ آبان ماه را آقای اورنگ شیخ الملکی (منشی) قرائت نمودند * *

* عین مذاکرات مشروح هشتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

- * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین جلسه ۲۹ ، غائبین با اجازه - آقایان : شمیرانی - حسعلی میرزای دولتشاهی - ملک آرائی - امیر ابراهیمی - محمود رضا - خواجوی - هزار جریبی - بیات ماکو - آقایان - طالبخان - تهور تاش .
- غائبین بی اجازه - آقایان : وهاب زاده - محیر فرمند - میرزا حسن خان وثوق - قراکولو - دکتر سنک - امیر عسری - آصف - اعظم - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک .
- دیر آمدگان با اجازه - آقایان : اسدی - الفت - کازرونی - ناصری - بیات - ذوالقدر .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : عبدالحسین خان دیبا - بالیزی - حکمت
- غائبین جلسه ۲۸ : غائبین با اجازه - آقایان : شمیرانی - جدیری - حسعلی میرزا دولتشاهی - ملک آرائی - محیر فرمند - امیر ابراهیمی - محمود رضا - هزار جریبی - دکتر سنک - امیر عسری - بیات ماکو - مؤید احمدی - طالبخان - محمدآخوند - تهور تاش .
- غائبین بی اجازه - آقایان : وهاب زاده - میرزا حسنخان وثوق - آصف - اعظم - حاج میرزا حبیب الله امین - لرستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک .
- دیر آمده با اجازه - آقایان : نجومی .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : عبدالحسین خان دیبا - بوشهری - شریعت زاده - ارکانی - مُسهودی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - قبل از دستور
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - قبل از دستور
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟
 (نایندگان - خیر)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

(۲ - تقدیم لایحه صلاحیت دیوان جزا و اختیارات (مدعی العموم)

☆ وزیر عدلیه - . . . چون خاطر اغلب آقایان مسبوق است بطور اجمال این جا عرض میکنم کلیه وقتی دیوان جزا تأسیس شد نظر دولت و نظر مجلس در موافقت یا تشکیل آن و گذراندن قانونش این بود که در حقیقت بیک سرعتی بشود عمل کرد و جلوگیری کرد از اختلاس متأسفانه در ضمن عمل ما دیدیم که باز قوانین ما بیک طوری است که بطوء جریان اسباب امید واری اشخاص میشود که مرتکب جرم میشوند و برای این که جلوگیری کرده باشیم از این ترتیب این لایحه الان تقدیم میشود با قید دو فوریت و امید وارم آقایان هم با موافقتی که اصولاً با این قبیل مسائل دارند موافقت بفرمایند که همین امروز تصویب شود .

(۳) تقدیم لایحه جلوگیری از قاچاق تریاک

آقای فرزین (وزیر مالیه) - برای این که بهتر بشود جلوگیری کرد از قاچاق تریاک که اواخر بکفدری شیوعش زیاد شده این است که لایحه تنظیم شده است تقدیم میشود با قید دو فوریت .

(۴ - مذاکره و تصویب لایحه صلاحیت دیوان)

(جزا و اختیارات مدعی العموم)

(لایحه تقدیمی آقای وزیر عدلیه بشرح ذیل خوانده شد)
 ساحت مقدس مجلس شورای ملی :
 نظر باینکه نقص قوانین راجعه بدیوان جزا را تجربه نشان داده و نظر به این که بطور وضوح معلوم میشود وسائل فعلی برای جلوگیری از اختلاس وار تشاء کافی نیست ماده واحده ذیل با قید دو فوریت پیشنهاد و تصویب آن تقاضا میشود :
 ماده واحده :

۱ - وزیر فعلی عدلیه مجاز است موادی راجع باصلاح اصول محاکمت و طرز رسیدگی و صلاحیت و تشکیلات دیوان جزاء تهیه نموده و بجای قوانین فعلی مربوط بدیوان جزاء بموقع اجراء گذارد این مواد پس از آزمایش مدت ششماه در عمل بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد ولی مادام که تکلیف آن از طرف مجلس شورای ملی معین نشود بقوت خود باقی خواهد بود
 ۲ - کلیه مستخدمین رسمی و غیررسمی ادارات دولتی و مملکتی و بلدی که مرتکب جرم کلاه برداری نسبت بیکی از ادارات مذکوره شده یا میشوند در صورتیکه در حین ارتکاب مستخدم یا مأمور یکی از ادارات فوق الذکر باشد در دیوان جزاء محاکمه خواهد شد .

۳ - تعدیات مأمورین دولتی نسبت بافراد در دیوان جزا رسیدگی و محاکمه خواهد شد .

۴ - جرمهای اختلاس و کلاه برداری که دفعه ارتکاب شده و از پنجاه تومان بیاضین است و یا بدفعات واقع شده و مجموع آن پنجاه تومان یا کمتر است و همچنین جرم ارتشاء که دفعه واقع شده و بیست تومان یا کمتر است و یا بدفعات ارتکاب و مجموع آن بیست تومان یا کمتر باشد در محکمه اداری همان وزارت خانه یا مؤسسه که مستخدم یا مأمور آن مرتکب اختلاس یا کلاه برداری یا ارتشاء شده رسیدگی خواهد شد و مجرم علاوه بر محکومیت بآخرین درجه مجازات اداری (انفصال ابد از خدمات دولتی) بتادیه پنج برابر آنچه

* در پایان جواب بیانات (قبل از دستور) آقای فیروز آبادی راجع به تشدید مجازات مجرمین بیانات فوق را اظهار نمودند .

س کرده یا رشوه گرفته یا کلاه برداری نموده است خواهد گردید و مادام که آن را نپرداخته در دیوان جزا محاکمه خواهد بود مگر آنکه مدت توقیف تا سه سال یا بقیه و وزیر عدلیه از مقام سلطنت استخلاص استعدا کرده و این استعدا مورد قبول واقع شود - هرگاه اشخاص از غیر مستخدمین دولت قبل این قانون شرکت در اختلاس کرده و سهمی که از آن برده اند پنجاه تومان یا کمتر باشد و پس از این مدتی العموم دیوان جزاء پنج برابر سهمی را برده اند بپردازند وزیر عدلیه از مقام سلطنت استعدای آن آنها را از تعقیب جزائی خواهد کرد

۲ - مدعی العموم دیوان جزاء بمحض اینکه از وقوع ارتشاء یا کلاه برداری مأمورین دولتی مملکتی مطلع شد و قرائن و امارات را برای تعقیب کافی اقداماتی را که برای کشف حقیقت لازم باشد منجمله مقرر مقرر بعمل خواهد آورد - شکایت از این جهت را فقط بوزیر عدلیه میتوان کرد .

۳ - وزیر فعلی عدلیه شخصاً بسمت ریاست عالییه که وزارت مدعی عمومی دارد تمام اقدامات مدعی العموم در دیوان جزا را تحت نظر مستقیم خود گرفته و آنچه را که تعقیب مظنونین بااختلاس و ارتشاء و مستخدمین و مأمورین که نسبت بادارات دولتی و مملکتی یا بلدی برداری کرده اند لازم بداند بمدعی العموم مزبور در دیوان جزا داد هرگاه توقیفی را که فوقاً ذکر شد مدعی العموم یا سر وزیر عدلیه انجام داده باشد شکایت از آن فقط بهیئت وزراء میتواند نمود .

۴ - مقصود از وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ این قانون مجازات عمومی نه تنها وظیفه ایست که بموجب این قانون یا نظامنامه های اداری معین شود بلکه هر کار وظیفه که مستخدم (رسمی یا غیر رسمی) عملاً یا قانوناً یا فوق انجام میدهد وظیفه او باید شناخته شود و صرف غیر قانونی در اموال مذکور در ماده ۱۵۲ این قانون یا نظامنامه های اداری یا سابقه عمل

یا امر ما فوق سپرده به شخص مستخدم یا سپرده بمستخدم مادون او است بعمل آید بموجب ماده فوق الذکر اختلاس محسوب گردیده و مرتکب ولو قبل از این تفسیر ارتکاب مجرم کرده و حتی در صورتیکه قرار عدم صلاحیت یا منع تعقیب نسبت باو صادر شده باشد در دیوان جزا محاکمه شده و بمجازات مختلس محکوم خواهد گردید مگر آنکه میزان اختلاس پنجاه تومان یا کمتر باشد که در اینصورت در محکمه اداری محاکمه خواهد شد .

۹ - مقصود از مستخدم غیر رسمی مذکور در این قانون و سایر قوانین مربوط بااختلاس و ارتشاء دیوان جزا هر کسی است که در یکی از ادارات و مؤسسات دولتی و ممالک بلدی یا بلدی بوده اعم از موظف و غیر موظف ولو بطور مستخدم جزء و حتی بعنوان روز مزد و اعم از اینکه حکم وزارتی داشته یا نداشته باشد - هر یک از این مستخدمین و مأمورین که مرتکب اختلاس یا ارتشاء یا کلاه برداری نسبت بدولت شده باشند در دیوان جزا محاکمه خواهند شد ولو قبل از این تفسیر قرار عدم صلاحیت یا منع تعقیب نسبت با آنها صادر شده باشد .

۱۰ - مقصود از کلامه ارتشاء مذکور در قوانین مربوط باارتشاء اخذ وجه یا مال یا اخذ سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی است از طرف مستخدم دولتی یا مملکتی یا بلدی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط است بتشکیلات قضائی و اداری دولت یا ادارات مملکتی و بلدی خواه انجام باعدم انجام آن امر مربوط بکار اداری شخصی باشد که وجه یا مال یا سند را گرفته و خواه مربوط بکار اداری یکی از مستخدمین دیگر دولت یا ادارات مملکتی یا بلدی اخذ وجه یا مال یا سند بترتیب فوق الذکر ارتشاء است خواه مستقیماً بعمل آمده باشد و خواه بطور غیر مستقیم و مأموریکه اخذ وجه یا مال یا سند کرده مرتشی است خواه رسمی باشد خواه غیر رسمی و خواه در انجام یا عدم انجام امریکه برای آن رشوه گرفته واقعاً مؤثر بوده

یا نبوده و خواه اقدام بانجام یا عدم انجام امریکه وعده داده است کرده یا نکرده باشد کسانیکه بمعنی فوق مرتکب جرم ارتشاء شده‌اند در دیوان جزا محاکمه شده و مجازات مرثشی محکوم خواهند گردید و لو اینکه قبل از این تفسیر قرار عدم صلاحیت یا منع تعقیب نسبت بانها صادر شده باشد

۱۱ - مقصود از ماده دوم قانون مجازات ارتشاء مصوب دوم تیر ماه ۱۳۰۷ فقط نسخ در ماده ۱۳۹ و ۱۴۸ قانون مجازات عمومی بوده و سایر مواد قانون مزبور راجع برشوه کماکان در قوت خود باقی است

۱۲ - مقصود از ماده سوم قانون مجازات محتلسین مصوب ۱۶ آذر ماه ۱۳۰۶ که مجازات اداری محتلسین را انفصال ابد قرار داده این است که هر کس ولو قبل از آن قانون مرتکب اختلاس شده اعم از اینکه در محاکم قضائی یا اداری محاکمه شود باید بانفصال ابد از خدمات دولتی محکوم گردد.

۱۳ - هر رایشی که مشمول ماده ۱۴۳ قانون مجازات عمومی نباشد در صورتیکه بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرثشی را فراهم نماید بنا بر پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب هیئت وزراء از تعقیب معاف خواهد شد.

۱۴ - هر شریک اختلاس که قبل از تعقیب پارکته دیوان جزا از وقوع اختلاس اطلاع داده و بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب شرکاء خود را فراهم نماید شخصاً از تعقیب جزائی معاف خواهد شد.

۱۵ - مستخدمه‌بنی که مورد تعقیب واقع شده و پس از رسیدگی نسبت بانها قرار منع تعقیب یا حکم قطعی تبریئه صادر گردیده مجدداً بخدمت پذیرفته شده و حقوق مدنی را که بواسطه تعقیب نکرفته اند دریافت خواهند داشت بعلاوه وزارت عدلیه مفاد قرار یا حکم راجع بانها را در مجله رسمی اعلان خواهد نمود

۱۶ - موارد ذیل تصرف غیر قانونی باین معنی که در قوانین جزائی منظور است محسوب نخواهد شد.

۱ - صرف کردن از عوائد عمومی بمحلی که اخرج در آن محل جزء اعتبارات عمومی تصویب نشده تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور باعث فوت وقت میشود.

ب - صرف کردن از وجوه خصوصی بمحلی که اخرج در آن محل جزو اعتبارات خصوصی تصویب نشده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار مجازة باعث فوت وقت میشود.

ج - بعمل آوردن مصارفی که اعتبار آنها نبوده ولی مصلحت اداری آن مصارف را ایجاد میکند مشروط بر اینکه جمیع مصارفی که يك نفر ترتیب بعمل آورده از صد تومان تجاوز نکند کما بعد از تاریخ اجرای این قانون یکی از شقوق سه فوق مصارفی بعمل آورند در صورتیکه در ظرف دو از تاریخ بعمل آوردن آن مصارف اداره مربوطه که اطلاع بدهند عمل آنها تصرف غیر قانونی بمعنی مندرج در قوانین جزائی محسوب شده و مجازات محتلسین خواهند بود

۱۷ - این قانون بلافاصله بموقع اجرا گذارده میشود

رئیس - مذاکره در فوریت اول است. آقای رفیع - موافقم.

رئیس - آقای ضیاء ضیاء - موافقم.

رئیس - آقای زوار زوار - موافقم.

رئیس - آقای شریعت زاده شریعت زاده - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد. فیروز آبادی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

فیروز آبادی - بنده خیلی آرزو دارم که در

ما يك مجازاتهای باشد که نوع اختلاس مرتفع شود اختلاس نباشد که بتوان در مملکت زندگی کرد و الا اگر با این حال حالا باشد زندگی سخت است در این مملکت و لکن با وجود این بنده عقیده بدو فوریت ندارم بجهت اینکه ما از خواندن درست ملتنت نشدیم و عقیده دارم بيك فوریت این لایحه بگذرد که يك وقتی هم آقایان و کلا بکنند که این لایحه را مطالعه کنند حالا بسته است بنظر آقایان نمایندگان و آقای وزیر عدلیه

رئیس - آقای رفیع رفیع - بنده تصور میکردم که هر يك از افراد آقایان این فرمایش آقای فیروز آبادی را میفرمودند ولی آقای فیروز آبادی این لایحه را استقبال میکردند برای آن حرفهایی که فعلا فرمودند و جلسات سابق همیشه اظهار میکردند اگر هیچ چیز فوری نباشد این لایحه باید فوری باشد بجهت اینکه ملاحظاتی است در این لایحه که تمام آقایان استحضار دارند و اگر آقای وزیر عدلیه در فوریتش را پیشنهاد نمیکردند شاید خود آقایان پیشنهاد میکردند این است که آقا هم خوب است شرکت بفرمایند در این لایحه و موافقت در فوریت بفرمایند و ما هم با اجتماع رأی میدهیم به گذشتن این قانون و موافقت با آن میکنیم می بینیم منافع آن چه خواهد بود.

رئیس - آقای رفیع - موافقم.

رئیس - آقای ضیاء ضیاء - موافقم.

رئیس - آقای زوار زوار - موافقم.

رئیس - آقای شریعت زاده شریعت زاده - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد.

فیروز آبادی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

فیروز آبادی - بنده خیلی آرزو دارم که در

رئیس - موافقت با فوریت اول قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - مخالفی ندارد؟

(نمایندگان - خبر)

رئیس - آقایان موافقت با فوریت ثانی هم قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحد مطرح است.

آقای وثوق مخالفید؟

آقا سید مرتضی وثوق - بلی

رئیس - بفرمائید.

آقا سید مرتضی وثوق - بنده با اصل این لایحه

همانطوریکه آقای رفیع فرمودند موافقم و تصور نمیکنم هیچکس مخالف باشد بنده و تمام آقایان آرزو آملان این است که دست دزد و خائن و محتلس را بهر طریقی که هست باید از این مملکت قطع کرد (فیروز آبادی - انشاء الله) ولی يك نظریاتی است که بنده خدمت آقای وزیر عدلیه عرض میکنم که شاید بتوانند در حین عمل از آن نظریات بنده (اگر قابل قبول باشد) يك استفاده هائی بکنند اولاً مجازات خائن مسلم است اما يك پاداشی هم برای خادم باید منظور کرد (فیروز آبادی - صحیح است) که اشخاصی که عمل بوظیفه خودشان میکنند از آنها قدر دانی بشود آنهاست که خیانت میکنند باین شدت البتة مجازات میشوند ولی آنهاست که خدمت میکنند آنوقت آن تصویب نامه ها اگر بنا باشد يك اضافه حقوقی یا ترفیع رتبه بانها داده شود جاو را میگیرد. بنده استدعا میکنم در مقابل این قانون باین شدیدی خوب است مراعاتی هم در حق اشخاصی که واقعا خدمت میکنند بشود و يك پاداشی برای آنها در نظر بگیرند. دیگر اینکه در این قانون صحبت ما در صلاحیت مدعی العموم ها است آنچه که بنده شنیده ام در مهالك خارجه مدعی العموم ها شاید سنشان از پنجاه کمتر نباشد و با اینهمه اقتداري که مدعی العموم داده میشود (به مدعی العموم دیوان جزای عمال دولتی) مدعی العموم اقلا يك آدمی باید باشد که با تجربه باشد آدم صحیحی باشد زیرا ممکن است والی يك ایالتی را تعقیب کنند و توقیف کنند بموجب این ماده و بعد از پنج شش ماه روز معلوم شود که این شخص خائن نبوده و بموجب آن پیشنهادی که آقای اعتبار کردند باید تصدیق برائت او را بهش بدهند و حقوق گذشته اش را هم بهش بدهند ولی تصدیق میفرمائید که

يك همچو والی را كه بك مدعی العموم توقیف كرد دیگر در آن ایالت نمیتواند مأموریت كند اعتبار و حیثیتش همه از بین میرود. بنده عقیده ام این است كه در صلاحیت مدعی العموم ها كه صحبت میکنم يك اشخاصی باید باشند كه حقیقه مجرب باشند اشخاص صحیح باشند نه فقط ملاحظه لیسانسبه بودن یا اینکه دیپلمه مدرسه سیاسی یا حقوق بودن را بکنند این ها خوب است ولی تجربه هم خیلی مدخلیت دارد در این كار چون بك اقتدارات خیلی زیادی بانها داده میشود و مأموریت مهم بدست آنها داده میشود عقیده بنده این است كه در این قضیه آقای وزیر عدلیه يك توجهی بفرمایند.

وزیر عدلیه - آقای وثوق را چون بنده میشناسم در حسن نیتشان تردیدی ندارم ولیکن در بیان مطلبی كه فرمودند میخواستم ازشان بگذری كله كره باشم كه اولاً در يك قانونی راجع بيك شخص صحبت كردند و خوب بود توجه راجع به این قسمت میکردند كه قسمت اول مذاكراتشان با قسمت نایش در باطن يك تعارض و تناقضی دارد خودشان میفرمائید كه مستخدمینی كه خوب كار میکنند باید سعی كرد كه تشویق بشوند آنوقت در این قانون نسبت بيك کسی كه دارد كار میکنند و زحمت میکشد این قسمت را رعایت نمیفرمائید و يك حرفی میزنند كه اسباب تشویق نخواهد شد. مسئله سن را كه آقا گفتند اول چیزی كه هست خود بنده نباید وزیر عدلیه بشوم زیرا كه بنده هم سن زیادی ندارم (خنده نمایندگان) و مدعی العموم ما هم انقدر جوان نیست كه شما میفرمائید (وثوق - بنده هیچ نمی شناسم نظر شخصی ندارم) و این شخص هم الان هفت هشت سال است كه دارد در عدلیه كار میکند (صحیح است) پس بنا بر این را كه میخواهید بفرمائید شاید بیك نظر معنی بوده است. اما در قسمت اول بنده كاملاً تصدیق دارم كه البته مستخدم خوب را باید تشویق كرد مگر او تشویق نمیشود؟ مگر حقوق نمیگیرد؟ این يك چیز غریبی

شده است در مملكت ما كه ما نمیخواهیم این نكته را ملاحظه كنیم كه شما وقتی در ماه بيك نفری دوست تومان حقوق میدید در سال دوهزار و چهارصد تومان این عایدات بیست و پنجهزار تومان سی هزار تومان ملك است بنده كه سالی نه هزار تومان حقوق میگیرم تقریباً عایدات صد هزار تومان ملك را می گیرم بالاخره يك کسی كه كار میکنند در مقابلش هم حقوق میگیرد. بهتر از این چه تشویق میخواهید باشد؟ يك کسی كه خوب كار میکند اگر بنا باشد هر روز صبح كه او از خواب بیدار میشود يك اضافه حقوق بدو ندهند واقعاً باید گفت خیلی بد کرده اند و دماغش را سوزانده اند همین مسئله باعث این میشود كه هر روز وزیری با اعضایش كشمكش داشته باشد كه چرا من اضافه حقوق نمیدهید و مرا تشویق نمیكنید. آقا مقصود از تشویق چیست؟ با این ترتیب اگر باشد شما چند سال دیگر مملكت را چطور اداره میکنید؟

رئیس - آقای زوار موافقید؟

زوار - بلی

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

فیروز آبادی - يك توضیحی بنده میخواستم

رئیس - بفرمائید آقا

فیروز آبادی - بادم نیست اینجا نوشته بود كه آقای وزیر عدلیه يك لایحه تقدیم میکنند و يك قوانینی تدوین میکنند و بموقع اجرا میگذارند غرض عرض این بود كه بمجلس با کمیسیون می آید یا نمی آید در این هم نظر خصوصی همچو كه فرمودند بنده ندارم میترسم كه این امورات سابقه بجهت بعدها بشود حالا بوزیر فعلی عدلیه ما اطمینان داریم ولی شاید بعد يك اشخاصی بیایند كه نتوانیم این اختیارات را بدهیم و چون بایشان اعتماد

آنوقت سابقه میشود كه هر كس میگوید كه رأی اعتماد من باید بدهید آنوقت این وضع سابقه خوبی نمیشود بنده آقای وزیر توضیح بدهند كه این قوانین را بمجلس هم بزنند تا بعد از ششماه بموقع اجرا بگذارند یا به مجلس بیرون نیارده بموقع اجرا میگذارند؟

وزیر عدلیه - این سؤالی كه شد كهان میکنم در ماده جوابش داده شده است و خیلی عبارت صریح بجهت این كه نوشته است كه بوزیر فعلی اجازه میشود كه يك قوانینی تدوین كند و بموقع اجرا برود بعد از این كه ششماه در عمل تجربه شد آنوقت بنده به مجلس و الا اگر میخواهند به مجلس بیاورند كه به هر وزیری كه میخواهید بگوئید كه لوایحش را بدو به مجلس و بپرد به کمیسیون این اختیار لازم ندارد اجازه برای این است كه بعد از آن كه این مواد شد بموقع اجرا بگذارند بعد از تجربه بیاورند به مجلس یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟

آقا سید یعقوب - اجازه میخواهم.

رئیس - مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بلی توضیح میخواهم

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - در این جا باز جوابی كه آقای عدلیه دادند يك اشكالی برای من تولید كرد چون كسان میگردم كه این مواد ۱۶ گانه است كه اجازه میدهد به وزیر فعلی عدلیه این مواد شانزده را بعد از گذشتن بموقع اجرا بگذارند از این بیانی فرمودند معلوم شد كه مواد دیگری غیر از این مواد یعنی يك موادی است كه آقای وزیر عدلیه غیر از این در يك کمیسویی بك هیئت وزرائی (با آن كه قانون اساسی دارد) این قوانین را بگذارند و در ج از مجلس يك هیئت مقننه دیگری تشكيل شود

غرض این است اگر نظر این است كه مجلس میخواهد اجازه بدهد كه در خارج از مجلس بك هیئت مقننه دیگری تشكيل شود بنده نمیدانم بنده بگذردی زدید دارم.

وزیر عدلیه - عرض كنم. این كه در این جا نوشته شده است كه برای تدوین مواد بوزیر عدلیه اجازه داده میشود یعنی چه؟ یعنی بوزیر عدلیه اجازه داده میشود كه این مواد را كه از مجلس میگذرد اجرا كند؟ این را كه مكلف است اجازه عبارت از این است (خوب این را من از شما تعجب میکنم) كه موادی تهیه كند و بموقع اجرا بگذارد حالا آقا نبودند ولی شما كه بودید بحث كردید، صحبت كردید این بی سابقه نیست. در این جا ما دو قانون داریم راجع بطرز تشكيل دیوان جزا و شعب آن و طرز رسیدگی، جلسات ادارش چه جور میشود جلسه علنیش چه جور میشود كه البته آقایان در نظر دارند این يك موادی است كه راجع بطرز رسیدگی و صلاحیت دیوان جزا بعنوان متمم آمده است ما در این مواد میخواهیم تصرفاتی بكنیم و اجازه كه بنده میخواهم برای تجدید نظر كردن در آن مواد تهیه يك مواد جدیدی است كه بآن عمل شود البته آن قسمت كه راجع بمجازات است در قانون مجازات هست و احتیاج نداریم آن مواد راجع بطرز رسیدگی است و اصول محاکمات

رئیس - موافقین با كفایت مذاکرات قیام فرمایند (اكثراً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رای میگیرم بماده واحده موافقین با ماده واحده قیام فرمایند (اكثراً حضار قیام نمودند) تصویب شد

(۵ مذاكره لایحه جلوگیری قاچاق تریاك تاماده ۴)

رئیس - لایحه راجع بجلوگیری قاچاق تریاك قرائت می شود:

ماده ۱ - وزارت مالیه مجاز است قیمت اجناس ضبطی

بعلاوه صدی سی از جرائم مأخوذه از مرتکبین قاچاق تریاک را بکشف قاچاق بدهد .

ماده ۲ - هرگاه نسبت به بسته یا صندوق یا عدل مال التجاره ظن قاچاق حاصل شود مأمورین رسمی کشف میتوانند آنرا با مهر سرب میهر نمایند تا در مقصد باحضور مأمورین انحصار بازوممانده شود مگر آنکه صاحب باحامل مال تفتیش آنرا در همان محل تقاضا کند . در صورتی که بسته یا صندوق یا عدل مهر شد باید این نکته در صورت مجلس قید گردد هرکس مهر سربی فوق الذکر را بشکند مشمول ماده ۱۱۲ قانون مجازات عمومی خواهد بود تبصره - مأمورین رسمی مذکور در این قانون مأمورینی هستند که از طرف وزارت مالیه جواز مخصوص برای عملیات کشف دارند هر صاحب مال یا حامل جنسی که جنس او مورد تفتیش واقع میشود حق دارد مطالبه رؤیت جواز مذکور را بنماید

ماده سوم - جریمه را که مطابق قانون مرتکب قاچاق باید بپردازد اداره انحصار مستقیماً و قبل از رجوع به محاکم وصول خواهد کرد ولی در صورتی که میزان جریمه از بیست تومان تجاوز نماید پس از وصول جریمه برای تعیین مجازات حبس دو سیه را بپار که بدایت محل خواهد فرستاد .

ماده چهارم - کسی که اداره انحصار جریمه از او گرفته میتواند در صورتی که متکر ارتکاب قاچاق باشد بمحاکم عدلیه مراجعه نماید در این صورت اداره انحصار تریاک دو سیه امر را به محکمه فرستاده و در صورتی که بموجب حکم قطعی مجرم نبودن شاکی ثابت شد جریمه مأخوذه مسترد خواهد گردید و هرگاه ارتکاب شاکی مجرم قاچاق ثابت شد محکمه او را بمجازات حبس که برای مجرمین قاچاق مقرر است محکوم خواهد کرد .

ماده پنجم - مأمورینی که برخلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند به جبران خسارنی که بر اشخاص وارد آورده محکوم و بعلاوه مطابق قوانین جزائی مجازات خواهند شد .

ممکن بود استعمال در مملکت کم بشود اگر هم غرض استفاداست در اینصورت که هیچ استفاده نمیرسد بدولت بلکه بضرر دولت تمام میشود و مردم را هم قاچاق چی میکند یعنی مثل آن آردی را که کفتید خرواری سه تومان با پنج تومان بیایند بدهند نانی که در شهر دوازده عباسی و در بیرون هفت عباسی است و غالباً مردم را قاچاقچی کرده است این قانونها قانون های مضری است که بضرر دولت و مردم تمام میشود و باید قانون گذار لایحه نویسی و لایحه آورنده این مطالب را در نظر بگیرند که اسباب اشکال در اجرا و طرز اجرایش پیش نیاید این ترتیبات چون غالباً ملاحظه نمیشود این است که تولید اشکالات میکند علاوه بر این در فوریتش هم بنده گمان می کنم اینقدر لازم نباشد خوبست بیک فوریت بگذرانند که بک نظری بشود و شاید بتوان بک اصلاحاتی درش کرد .

رئیس - آقای کیا فرمایشی دارید بفرمائید .

کیانوری - خیر

وزیر مالیه - آقا در ضمن عدم موافقت با فوریت بک جمله هایی فرمودند . بهتر این است که بنده عجلانا ضرورت فوریتش را عرض کنم تا بقسمت های دیگرش برسد . فوریتی که پیشنهاد شده است بمناسبت ضرورتی است که ایجاد شده است قاچاق خیلی زیاد است انواع تدابیر هم اتخاذ شده است دولت هم مبالغی خرج می کند و مؤسسه انحصار تدابیری بکار میبرد برای اینکه جلوگیری کند و البته با این همه تدابیری که دولت از نظر فنی بکار میبرد ملتفت شده است که جلوگیری از این قاچاق نمیشود کرد مگر با تدابیر دیگری که انواعش این است که در این لایحه پیشنهاد شده است یکی از آنها این است که بشود حق کاشفین قاچاق را زیاد تر قرار داد که آنها حاضر بشوند برای کشف قاچاق و نسبت بدولت و مؤسسه خدمت کنند و بلکه موافقت با قاچاقچی ها نکنند . این بک چیزی است که باید ذکر بشود چون تا بحال تجربه شده است که کسانی که کشف قاچاق میکنند

چون حقی گیر شان نمی آید شاید با قاچاق چیان هم دست شوند و از تعقیب آنها اغماش کنند . یکی دیگر اینکه بک مقداری از قاچاق هایی که بدست آمده است ولو مقدارش هم قلیل بوده است مطابق قانون سابق بمحاکمی احاله شده است که در آنجا همانطور مانده است و بانها رسیدگی نشده است و بعضی از قاچاق چیهائی که مخصوصاً قانع هستند بیک مقدار مختصری قاچاق همچو تصور می کنند که امروز و فردا بشود و بک ماه بگذرد و مجازات نشود جریمه هم ندهد . باین مناسبت است که (دلایل دیگری هم هست که در مواد ذکر شده است) این لایحه تنظیم شده و از مواد آنها میشود استفاده کرد و فهمید که بچه دلیل این مواد تقدیم شده است و فوریت آنها نهایت لزوم را دارد و هر روزی که باین ترتیب بر ما بگذرد قاچاق زیاد میشود . راجع بقسمتی که در خصوص باندول فرمودند لابد مقصود آقا این است که از ناکس باندول کم بشود این را اساساً باید توجه داشت و دانست که بک فکری هست که اگر چیزهایی هست که دولت بانحصار در می آورد و نمیر و باندول بهشان الصاق میشود اگر قیمت آن نمیر و با باندول کران باشد قاچاق زیاد میشود و اگر کمتر بشود قاچاق کمتر میشود این بک اصلی است که اساساً میشود این را قبول کرد ولی باید بدانیم که این اصل غالباً در جاهائی است که تمام انتظاماتی که لازم است بکار برده اند قوانینی که لازم است وضع کرده اند تدابیری که لازم است بکار برده اند و مراقبت زیاد کرده اند مع هذا باز قاچاق میشود . بنده گمان میکنم که در مملکت ما با آن تجربیاتی که شده است علی العجلاله اگر قوانین را بیشتر رعایت کنیم و طرز جلوگیری از قاچاق را بک قدری بهتر بکنیم و ادارات طرز کار خودشانرا بهتر بکنند البته جلوگیری از قاچاق خواهد شد و هر چه ادارات بیشتر مواظبت بکنند دیگر حاجت بآن نظر نیست زیرا هرکس که عادت کرد بسرقت یا بعمل شنیع و غیر مشروع کمان میکنم که اگر شما بگوئید بک سارق را که بک تومان

ماده ششم - از اشخاصی که قبل از این قانون بموجب حکم محاکم صالح یا بدایت محکوم به برود جریمه شده اند باید اداره انحصار محکوم به را رد کرده و در صورتیکه بعداً بموجب حکم قطعی در مافوق متهم تبرئه گردید جریمه مأخوذه مسترد خواهد شد .

ماده هفتم - این قانون بلافاصله بموقع اجرا گذاشته میشود .

رئیس - فوریت اول مطرح است . آقای کیا کیا نوری - موافقم .

رئیس - بسیار خوب - آقای دکتر عظیمیا دکتر عظیمیا - مخالفی ندارد .

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید .

فیروز آبادی - بنده با فوریتش مخالف هستم علاوه بر آنکه عقیده ام این بود که آقای وزیر مالیه بک لایحه آورده اند که تخفیف داده میشود در مالیات سرب می توانی که از تریاک میگیرند می بینیم که هیچ تخفیف نشده در صورتیکه بعقیده بنده اخذ سرب می چهار تو باندول باعث شده است که هرکس تریاک کبیرش می خورد بدون استثناء اگر خود من هم باشم بک سیر تریاک بکنم جیبم که چهار تومان را ندهم . این بک قانون ظالم شده است که بر ضرر دولت و مردم تمام شده قانون باید جور می گذاشت که بشود آن قانون را کاملاً اجرا کرد الان هر کس بتواند بک مثقال دو مثقال بک سیر بپزد بک من دهنه من باصطلاح حالیه قاچاق میکند . چرا برای اینکه سیری چهار تومان را ندهد . سیری چهار تومان هیچ مناسبت ندارد اگر غرضشان از این سیری چهار تومان این بوده که در مملکت استعمال نشود خوب قهوه خانها در غالب جاهائی که استعمال میکنند و جلوگیری کردید و بک ترتیبات دیگری هم قرار بدید

سرقت میکنند بهتر این است که مجازاتش را کمتر قرار بدهیم تا سارقانی که ده تومان سرقت میکنند این درست نیست و اصلاح این آدم بسرقت عادت کرده است و از عمل شنیع هم احتراز ندارد یک همچو آدمی احتراز از قاچاق ندارد و شما چه ناکس باندول را دوریال بکنید یا ده شاهی برای او فرق نمیکند او تصور میکند که نال مشروع نمیشود خورد مگر باریک قاچاق روی باندول .

رئیس - آقای اورنگ موافقت؟

اورنگ - بلی قربان .

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - بنده از حسن نیت آقای فرزند نهایت اطمینان را دارم بجهت اینکه شخصی است که در تمام مواقع امتحان حسن نیت و صداقت خودش را داده است هم نسبت مملکت و هم نسبت بدولت و هم نسبت بقوانین اما چون خودشان در اصول پارلمانی پرورش یافته اند کمان میکنم اگر رجوع بهرایض سابق بنده بکنند تصدیق خواهند فرمود بنده خواستم یک چیزی بهشان عرض کنم . همانطور که خودشان میفرمایند که این قوانین هنوز درست نتوانسته است انتظامات را بر قرار کند و نتوانسته است نرئیبانی واقع کند اگر ایشان خبر داشته باشند این بواسطه همین است که هی آمدند و لوایح را بقید دو فوریت گذراندند وزیر مالیه سابق هی آمد و قوانین را بقید دو فوریت گذرانید و اندک که قانون برود بکمسیون قوانین مالیه یا بکمسیون های مربوطه و شور درش بشود و بعد از شور دو مرتبه بیاید بمجلس و دو مرتبه مطرح شود و دو مرتبه برود بکمسیون و باز در آنجا مطرح شود تا اینکه هم مجریات قانون و هم واضعین قانون بنقائص قانون مستحضر شوند که دولت فردا گرفتار نشود و یک مخارجی بکند . الان بنده میدانم که وزارت

مالیه در این مسئله قاچاق کاملاً در مضیقه است ولی عقیده بنده این است که شما این قضیه را قبول بکنید تا یک هفته دیگر که این قانون درست در تحت شور و مطالعه در بیاید و برود بکمسیون پیشنهادات درش بشود خودتان درش نظریات بکنید تا اینکه نقائصش از این برود چرا ؟ برای خاطر اینکه خودتان در مقام عمل بوده اید و میدانید هر قانونی که بخواهد بموقع عمل و اجرا گذاشته شود شاید مبالغی بجزانه ممالک ما تحمیل کند تا یک قانون عملی شود شما هم پس از آن می آید و ناچار هستید باعتبار آن حسن صداقت و امانتی که دارید می خواهید از قاچاق جلوگیری کنید و یک قانونی می آورید با قید دو فوریت مجلس هم بدولت مساعدت و اشتراک مساعی دارد و بابک احساسات پاکتان این قانون رأی میدهند باز پس فردا در مقام عمل گرفتار خواهد شد و باز خودتان که کاملاً طرفدار خزانة مملکت هستید یک قانون دیگری برای جلوگیری از معایب آن پیشنهاد می کنید و یک تحمیلی دیگر بجزانه مملکت میشود این است که با این تجربیات و عرایضی که کردم و با اینکه در موارد فوری غالباً عرض کرده ام خوب شما خودتان در ممالک دیگر بوده اید و دیده اید که قوانین از یک شور و در شور گذشته و سه شور رسیده است خصوصاً این قبیل قوانین که خیلی محل توجه است و واقعاً قوانین جزا است و مجازات . شاید یک کسی حقیقه غیر معاقب باشد و برای ما او معاقب واقع بشود ؟ یا یک کسی باشد که مختلس نباشد این را شما مختلس تصور کنید بعد از آنکه او را مجازات رسانیدند آنوقت معلوم شود بی تقصیر بوده است پس بهتر این است که موافقت بفرمایید تا یک قدری در این قانون شور و دقت بشود . یک قدری با فکر اعتدالی باشد (نه اعتدال بآن معنی) و همه اش افراطی نباشد . در وضع قوانین مجازات و قوانین جزائی همان جوری که در تمام دنیا رسم است که نسبت بقوانین جزائی مراعات میشود و همان جوریکه آقای وزیر عدلیه در کمسیون قوانین عدلیه که بودیم مکرر فرمودند یک

بوع اساسی است که قوانین جزائی همیشه درش نظریات میشود این يك اصل کلی است که آقای عدلیه همیشه در کمسیون میفرمودند و این همان و قانون اصلی و کلی است که مقرر است تدریجاً محدود همان یعنی در قوانین جزائی اگر يك قدری مطالعه و دقت بشود بهتر است این است عقیده بنده و با حسن عقیده و نیتی که بایشان دارم پیشنهاد دارم که این را بگذارند يك هفته هم بر آن بگذرد فرض بکنند این يك هفته هم بالای این نیت گذشته که در این مدت يك شوری بشود ما روز یکشنبه هم در این مطالعه و مطالعه میکنیم پیشنهادات میکنیم که در این گرفتار نشویم . این است که بنده عقیده دارم که برای شور و مطالعه و الا اساساً بنده کاملاً موافقت میکنم که باید جلوگیری کرد از اختلاسات و قاچاق شد . شکر - چای - تریاک و تا ما این کارها نکنیم سعادت جامعه که تحصیل کردن اخلاق و به خوب باشد حاصل نمی شود اما نه باین روی تند . این بود عقاید بنده .

وزیر مالیه - آقای آقا سید یعقوب موافقتند . اغلب نظر اتفاق می افتد خوشبختانه ایشان موافقت ولی در فکر و عمل قدری اختلافات جزئی پیدا میشود . بل بنده خوشوقت هستم که ایشان در اساس قضیه موافقت ولی بالاخره بنده نمی فهمم چه میشود که بطور میشود ! ! در حال اگر اتفاقات بفرمایند موافقت طلب البته نتیجه يك تأمل و مطالعه ایست در ضرورت . بنده یقین دارم که ضرورت امر را شاید هیچیک آقایان که در این جا هستند انکار نفرمایند و همه اساس فرموده اند که مطلب ضروری و لازم است صحیح است) بنده که مواجه با عمل هستم تا يك طرفش که بکطرف آن بودجه جمع است و يك طرفش بودجه خرج این جمع را باید بموجب قانون و بانصوب مجلس شورای ملی جمع آوری و فراهم کرد خرج را هم بوجب قانون همانطوری که در مجلس شورای ملی

تصویب شده است خرج کرد وقتی که ما را ناگزیر میکنید از این که اولی را جمع آوری کنیم گو اینکه تکلیف مسلم ما است ولی هرروزه آن دومی ما را مجبور میکند و ما میگوییم که باید عایدات را جمع آوری کرد بدین معنی است در حدود قانون و نظامنامهها و مقررات و بارعایت تمام آنچه را که باید اخلاقاً منظور داشت - یکی از عایدات ما ملاحظه بفرمایید بنده قسمت اخلاقی و روحی و جنبه روحی قضیه را کنار میگذارم . شیوع نام و تمام استعمال تریاک را میگذارم کنار . علی العجابه از جنبه عایداتی مسئله می خواهم خدمت نان عرایضی بکنم (و آن مطلب اولی مبحثی است جداگانه که باید در مورد خودش آرا هم بحث کرد) و آن این است که يك چیزی را ما پیش بینی میکنیم و بمناسبت نقص قانون یا بمناسبت چیزهایی که دست و پای ما را میگیرد در جلوگیری و اجرا و بمناسبت يك چیزهایی که رها میکنند لجام يك جماعتی را بجانب خیلی چیزهای دیگری که ذکر آن در این جا وقت را تلف میکنند ما می بینیم که در جلوی چشم دولت يك عایداتی از دست دولت میرود و يك اخلاقی بیشتر روز بروز فاسد میشود . قاچاق تریاک امروزه شیوع پیدا کرده است و اشخاصی که شاید وسائل دیگری را برای تأمین زندگانی خودشان فکر می کردند امروز راه را بقصدی سهل دیده اند که میروند دنبال قاچاق چی گیری . این زندگی نمیشود آقا و گمان میکنم موادی که در این جا گفته شده است چوب دور نیست اساسش بوده است و تفاوتی ندارد منتهی تطبیق بفرمایید با فی الجمله چیزی در يك جا مانده است محاکم و در يك جا جلوگیری شدید می کنیم برای اینکه زود بتوانیم اقدام بعمل بکنیم و کار هم زمین نماند . بنا بر این هیچ مانعی بنده نمی بینم نه نسبت بقوربت و نه نسبت بجزئیات مسئله . این مسئله هم در فراکسیون کاملاً مشروح و مفصل مذاکره شده و خاطر محترم آقایان نمایندگان متذکر است که در هر يك از موادم بحث و مذاکره شده و تسهیلات هم قائل

شده کار هم زودتر می گذرد بنا بر این کمان نمی کشم
نقیصه در کار باشد برای اینکه ذهن آقایان غالباً مسبوق است
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - کافی است ؟

نمایندگان - بلی

رئیس - موافقین با فوریت اول قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد . فوریت ثانی مطرح است .

آقای کیا موافقت ؟

کیا - بلی

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - مخالفی نیست ؟

(نمایندگان - خیر)

رئیس - موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند

فیروز آبادی - بنده مخالفم

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . مذاکره در کلیات است آقای اورنگ

اورنگ - موافقم .

رئیس - آقای وثوق .

آقا سید مرتضی وثوق - بنده اصولاً با این لایحه
موافق هستم فوریتش را هم رأی دادم بخود لایحه هم رای
میدم ولی يك اصلی را که خود آقای فرزین در عمل
بیش بر خورده اند باید مراعات کرد و آن تنزل قیمت
ناکس باندول است و بنده عقیده دارم اگر این کار را
بکنند و ناکس را تنزل بدهند این بهترین قوانینی است

يك لایحه می بینم که دولت بمجلس محترم آورده است
بنده ناگزیرم با آن سوابق خاطر آقایان را مستحضر
کرده و ضمناً بیانات نماینده محترم آقای وثوق را قدری
بیشتر تشریح کنم که مقصود ایشان و همه بیشتر نائل
بشوم عرض کنم اینکه ملاحظه فرمودید دولت و همه
آقایان نمایندگان نگرانی دارند از اینکه این قانون
در نتیجه عمل سبب شده است که قاجاق يك قدری بیشتر
منتشر شده است و زیاد شده است علت را نماینده محترم
اینطور فرض کردند که بواسطه ترقی ناکس این کسر در
عایدات پیدا شده است با این عمل شیوع پیدا کرده
است و زیاد تر شده است ولی این امر نظری است
منتهی این است که بنده با يك سوابق ممتدی که در
این عمل دارم و در کمیسیونهای متعددی که در وزارت
مالیه شد و بنده در آن جا بودم بنده اینطور در نظر
دارم که این کسر عایدات در نتیجه عمل اینطور مشاهده
شده که در نتیجه این نظر هم نیست بلکه
بواسطه يك جزئی بود که در این لایحه این جزء
بوضع کامل تری پیشنهاد شده است و آن دادن حق است
بکشف کننده . شما ملاحظه فرمائید يك ماموری که
ده تومان پانزده تومان یا بیست و پنج تومان و همین
فرد ها حقوقش است این شخص ولو خیلی با هوش باشد
و اطلاعات داشته باشد نباید باو گفت که برای هیجده
تومان او برود و خود کشی بکند و تحقیقات کامل تری
بکند و اطراف و جوانب کار را خوب در نظر بگیرد
و واریسی بکند و قاجاق را کشف کند . در عمل مشاهده
شده و تجربه شده آنوقتی که ما انحصار نداشتیم و همان
نخبد سابق بود مامورین جزء شان يك حقی میدادند
که کشف میکردند مراجعه بدفاتر آنوقت بکنید و عایدی
آن زمان را در نظر بگیرید نماینده محترم آقای امین التجار
که تشریف دارند خوب در نظر دارند که چون آن وقت
حقی بمامورین کشف میدادند عایدی آن زمان بیشتر بود
خیلی هم بیشتر بود از حالا . برای اینکه بکشف کننده
يك انعامی میرسید وقتی بمن کشف کننده يك انعام و

حقی میرسید من خودم را ذی حق میدانستم که این
مسئله را تعقیب و تحقیق و کشف کنم چون میدانستم
از جریمه اش از فلانش بمن حقی میرسد پس من هم
خوب دقت میکردم ولی امروز که من ماهی پانزده
تومان حق میگیرم و بمن میگویند صد هزار تومان
عمل را تعقیب و کشف کن برو قرض کن زحمت بکش
این نمیشود همه هم شاید بر نان ظاهر و مسلم نیست که
آن مأمور آن پانزده تومان وظیفه را حلال بداند و اما
باصطلاح آقایان آن رشوه را که صاحب مال میدهد آن
را مأمور حرام و نامشروع بداند شاید خدای نکرده
من آن رشوه را بگیرم و چشم را هم روی هم بگذارم
و رد بشوم این است اصل قضیه . اما با این
رعایتی که در این قانون شده است (حق دادن بکافئ)
این جلوگیری میکند یعنی بنده قول میدهم در عمل
همانطوری که قبلاً ثابت شده بعداً هم ثابت خواهد شد
که حالا که حق میدهند مأمور کشف و حق زیادی هم
میدهند ملاحظه خواهید فرمود که عایدات ما يك برسد
علاوه میشود و این هم يك اصلی است و همه هم با آن
موافقم حالا هم چون مورد فوریت نیست و گذشت و موقوف
نیست که آقای آقا سید یعقوب آقا و آقای فیروز آبادی جواب
عرض کرده باشم زیرا با فوریت رأی داده شد و مطلب
گذشت ولی در هر حال این يك امری است که باید متوجه
بود يك دقیقه هم عقب افتادنش برای مردم و دولت
ضرر دارد چون دارد قاجاق زیاد میشود و اگر ما از نظر
ترباکی بودن آن کشنده هم بخواییم مخالفت کنیم باید
موافقت کنیم با این لایحه و بالاخره با سلامت او . بله
اگر مخالفت کنیم ما مخالفت کرده ایم با جانش با سلامتش
ولی اگر با این لایحه موافقت کنیم موافقت کرده ایم بالاخره
با سلامتی بدن و روح و فکر او و جان او را بیشتر رعایت کرده ایم
که هی بنشیند و هی دود کند و هی بف کند هوا اینکار جانساز
خراب میکند . این درست است ؟ پس اگر ما با این لایحه موافقت
کنیم بالنتیجه قاجاق کم میشود و او ترباک ارزان نمی کشد
چالش هم تلف نمیشود و کمتر کشیده میشود این که بجای
خود درست . اما از انطرف هم با دولت يك همراهی

کرده ایم و یک عابدی مسلم و منجزی را از بین برده ایم پس ما هر قدر تسریع در این بکنیم تسریع کرده ایم سلامت جان مردم و تسریع کرده ایم در حفظ عابدی دولت و این هیچ اشکالی ندارد و هیچ شورو مطالبه او فکر لازم ندارد. من میترسم که یک روزی دولت لایحه بیاورد که ما ذکر لا اله الا الله بگیریم انوقت آقای آقا سید یعقوب آقا بگویند یک قدری مطالعه بکنیم نه با ما این جا دیگر مسئله سهل است و مطالعه نمی خواهد. این را هر چه زود تر بشود کرد بهتر است این مسئله در عمل ثابت شده است بر ما که این رویه هر قدر درش شدت زیاد تر بشود بهتر است و هیچ قسم نباید رعایت کرد از آن کسی که شغلتش را کرده است قاچاق چی گیری یا آن کسی که ترپاک می کشد. چرا ترپاک می کشد؟ چرا می کشد؟ خیلی کار بدی می کند هر قدر ما نسبت با و ان قاچاق چی سخت گیری کنیم این از هر نقطه نظر ممدوح و پسندیده است در هر حال این بود عرایض بنده رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده با اینکه اقا فرمودند مملکت خرج دارد باید يك دخل هم داشته باشد که آموزش بگذرد با این امر اساساً موافقم ولی باید تمیز داد و دید آیا راهش این است؟ که باین ترتیب بیایند و دخل زیاد نمایند و آیا زیاد میشود؟ در دوره سابق که این لایحه آمد این حرف زده شد وقتی این لایحه را آوردند برای باندول در آن موقع همین مذاکره سر قانون باندول شد که باید هم دخل زیاد شود و هم استعمال کنند در داخله کم بشود ولی در مقام عمل دیده شد که هم دخل آن کم شد و هم استعمال کنند آن زیاد شد و به تجربه معلوم شد که اگر عایدات امسال را با عایدات پیش مقایسه نمایند میبینند ثلث آن باقی مانده نصف هم نشده چرا؟ چون زیادی باندول مردم را مجبور میکند بقاچاق چی گیری میفرمایند که برای کشفین قاچاق يك حق می دهیم خوب نتیجه این چه می شود این میشود که يك

بی چاره که دو ساعت سه ساعت (يك آدمی که اصلاً بوی ترپاک بدماغش نخورده است) آب آدم را دم دروازه معطل می کنند بارش را می شکنند و خراب می کنند که میخواهیم به بینیم نو ترپاک داری یا نه؟ این يك تولید زحمت بزگی از برای مردم میکند و قول هم میدهم که این هیچ عایدات دولت را زیاد نمیکند بلکه کم میکنند مگر اینکه نرخ باندول و قیمت آن را کم کرد و قاچاق چی گیری را از مردم خارج کرد که مردم میل بقاچاق چی گیری نکنند و مجذب عمل قاچاق نشوند بنده که نوی ماشین نشسته ام دارم بیایم و نیم سیر ترپاک دارم (نا ترپاک سیری چهار تومان است قاچاق میکنم) دولت هم نمی آید بگردد و به بیند و کشف کنند که ترپاک هست پدش من یا نیست یا نوی بارگاه دومن ترپاک گذاشته ام نمیتواند کشف کند و نا این ترتیب باز هم دو مقابل عابدی را دولت مجبور است خرج کشف قاچاق کند و هم از کشف آن عاجز است و هم هیچ نتیجه ندارد پس علاج این است که باندول را کم کنند زیرا سابق بر این که کم بود قیمت باندول عابدی آن خیلی بیشتر بود و مردم بیچاره را هم دو ساعت دم دروازه معطل نمیکردند عرض کردم قانون را باید طوری گذاشت که قابل عمل باشد این قانون قابل عمل نیست

وزیر مالیه - آقا اجازه بفرمائید بنده لایحه تقدیم نکردم که منبع عایدات جدیدی را پیشنهاد کرده باشم بنده يك لایحه تقدیم کرده ام برای اینکه وسایلی فراهم شود برای جمع آوری يك رشته از عایدات دولت که بهتر بتوانند آن را تأمین کنند. نمیدانم آقای فیروز آبادی با این منظور مخالفت کنید یا موافق. آقای فیروز آبادی قطعاً مخالف نخواهند بود باینکه ما وسایلی بهتر در نظر بگیریم که طرز اجرا در جمع آوری منال دولتی بهتر باشد سهلتر باشد سریعتر باشد

فیروز آبادی - بنده مخالف نیستم ولی این لایحه

بنده منظور شمامت. رئیس - رای میگم - پریم ورود در شور مواد آفابان این قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد اول قرائت میشود:

ماده اول - وزارت مالیه مجاز است قیمت اجناس ملی بعلاوه صدی سی از جرایم مأخوذه از مرتکبین قیام ترپاک را به کاشف قاچاق بدهد.

رئیس - آقای مهدوی در اینجا نوشته است قیمت ترپاک را بدهند به کاشفین. قیمت ترپاک دو قیمت است یکی برای یکی معمولی که بموجب قانون باندول است بعقیده باید توضیح داده شود که کدام قیمت است.

النسر - تجارتي

وزیر مالیه -- مقصود قیمتی است که همان عین را بتواند بفروشد.

مهدوی - تجارتي است؟ وزیر مالیه -- بلی.

رئیس - آقای زوار زوار - موافقم

رئیس - آقای آقاسید یعقوب.

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم در این بنده باید يك توضیحاتی داده شود باین ترتیب که ان مردم دیگر یا قاچاق گیر میشوند یا قاچاقچی می گردند و دیگر کسی بی کاری نمیرود. اگر چه آقای اورنگ بنده که من منکر لایحه الا اله هستم ولی والله من نمیترسم و گمان نمیکنم که دولت هم همچو پیشنهادی ما بکند غرضم این است که این لایحه خیلی چیز است که بکجا يك مالی قاچاقی دیدند حالا آقای زوار بنده يك توضیحی بدهند که اینقدر هم سلب وقتی هر دو طرف بشود. بنده نمی دانم !!

وزیر مالیه -- اینطور نیست آقا حق کاشف قاچاق را هر چه زیاد کنیم قاچاقچی زیاد نمیشود بلکه جلو گیری از قاچاق میشود (چند نفر از نمایندگان بلند تر بفرمائید) باین دلیل ... (آقا سید یعقوب - نمیشود آقا) آقای آقا سید یعقوب اگر چه صرف وقتی در این رشته ها نفرموده باشند از لحاظ مطالعات فنی و لی تجربیات قانونی ایشان زیاد است بجهت اینکه انواع قوانین بنا بحال در مجلس وضع شده و مذاکرات زیاد هم در اطرافش شده و گمان میکنم آن مذاکرات برای تجربه ایشان کافی است. مفتشینی که امروز ما داریم برای جلو گیری از قاچاق يك حد بقفی برای مواجب و حقوقشان هست از لحاظ اداری و لکن در همه جای دنیا مفتش روی حق الکشف خودش زندگانی میکند نه روی مواجب تنها اینجا نیست در همه جای دنیا همینطور است مفتش که برای کشف يك قاچاقی مامور میشود روی آن مبلغی زندگانی میکند یعنی فایده خودش را روی آن مبلغی میداند که از کشف قاچاق میگیرند. ما در اینجا از جرایم عاید می دهیم بکسی که قاچاق کشف کند حالا ملاحظه بفرمائید ما يك کسی راماهی ده تومان یا پانزده تومان یا بفرمائید آقای آقا سید یعقوب ماهی بیست تومان میدهیم برای جلو گیری از اینکار بیشتر که نمیتوانیم بدهیم بسیار خوب این را قبول کردیم يك مواجب باین شخص میدهیم که باید با آن مواجب زندگانی کند. صدی سی از جرایم عاید را ما میتوانیم با و بدهیم برای حق کشف قاچاق اولاً جرایم غالباً بدست نمی آید. بسا اتفاق می افتد که آن شخص جنس قاچاق را می اندازد باز دست میدهد فرار میکند یا بر فرض فرار هم نکند و در دست باشد مفلس است بی چیز است حاضر است بکلی چندین ماه چندین سال حبس بشود که يك دینار جریمه ندهد و واقعاً هم ندارد. بسا اتفاق می افتد آن مأهوری که شب و روز زحمت میکشد و کشف قاچاق میکند (شاید هفتاد در صدش اینطور واقع میشود) اصلاً مورد پیدا نمیکند وجه بدست بیاید که صدی سی یا صدی چهل آن را

باورده‌اند . بسیار اینطور شده است مانجریه کرده‌ام نه تنها
 نجریه کرده‌ام چه وجب احصایه مسلم شده است رما که اغلب اتفاق
 می افتد و اغلب مفتشین ما سهل انکاری میکنند و صرف
 نظر میکنند و خودشان را بزحمت نمی اندازند یا مفتش
 ممکن است شرکت کند یا قاچاقچی التفت میفرماید
 وقتی که مفتش شرکت کند یا قاچاقچی دیگر نمود بالله
 چیزی میشود که نمیشود از آن جلوگیری کرد . بطور
 میشود مفتش را نگاه داشت برای خدمت . این است که
 آن حق را که از قاچاقچی میگیرند بطور مشروع اگر
 تمامش را باورده‌اند باید يك مقداری از آن را باور
 بدهند تا او را راضی نگاه دارند آوقت در عمل او
 قاچاق بگری می شود و خدمت گذار هم می شود
 اینکه در اینجا گفته شده است که قیمت اصل جنس
 باضافه صدی سه از جرایم این چیز زیادی نیست برای
 او بجهت اینکه بکمن تریاک را که بدست بیاورد تریاک
 را که بکمن چهارده تومان پانزده تومان یا بیست تومان
 بفروشد اگر قیمتش را باور بدهند او کشف خودش را
 کرده و حق خودش را گرفته و دولت هم بکمن تریاک
 بائدرل میکند حساب میکنیم ببینیم حق دولت چه میشود؟
 عاید صندوق دولت چه میشود بائدرل برای بکمن تریاک
 را حساب کنیم چقدر دست دولت می آید . تریاک
 قاچاق کشف شده مفتش هم راضی است از عمل خودش
 و بحق خودش هم رسیده و عایدات بائدرل تریاک هم وارد
 صندوق دولت شده است و اگر هم از جرایم چیزی بدست
 بیاید بدست مفتش يك چیز آمده است و باین ترتیب
 میشود مطمئن بود که قاچاق کشف میشود هم مفتش
 به ماوریت خود عمل میکند و هم عایدات دولت جمع
 آوری میشود و تمام مضرات دیگری هم که حالا در مقام
 عمل مشاهده میکنیم مرتفع خواهد شد .

رئیس -- آقای ناصری

ناصری -- موافقم .

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده نظر باینکه این قانون را
 نمیدانم مجبورم مخالفت خودم را عرض کنم و میدانم که
 اینقدر اسباب زحمت فردا درب دروازه ها برای مردم
 خواهد داشت که چه عرض کنم و قاچاق هم کبر نمی آید
 عرض کردم مجبور نیست آن کسی که میخواهد تریاک بیاورد
 از درب دروازه ها بیاورد بهزار وسیله و هزار جور دیگر
 ممکن است بیاورد ما بحمدالله اگر صنعت نداریم در این
 فن خیلی ماوریم که چه قسم وارد کنیم که هیچ دولت
 نتواند کشف کند بجز خرج زیادی که دولت بکند
 اذیتی که بمردم برسد هیچ فایده دیگری هم نخواهند
 بنده اینجا مخالفت خودم را میکنم مثل اینکه در هر
 دوره سابق نسبت به یکمن هشتاد تومان مخالفت کردم
 با آخر و حالا می بینید .

رئیس - موافقین با ماده اول قیام فرمایند (اکثر
 قیام نمودند) تصویب شد ماده ۲ قرائت میشود :

ماده ۲ - هر گاه نسبت به بسته یا صندوق بائدرل
 مال التجاره ظن قاچاق حاصل شود ماورین برای کشف
 میتواند آنرا با مهر سر بی مهر نمایند تا در مقصد
 حضور ماورین انحصار باز و ممانعت شود مگر آنکه صاحب
 یا حامل تفتیش آنرا در همان محل تقاضا کند در صورت
 که بسته یا صندوق با عدل مهر شد باید این نکته در
 صورت مجلس قید گردد . هر کس مهر سرفی فوق الذکر
 را بشکند مشمول ماده ۱۱۲ قانون مجازات عمده
 خواهد بود .

تبصره - ماورین رسمی مذکور در این قانون
 ماورینی هستند که از طرف وزارت مالیه جواز حضور
 برای عملیات کشف دارند هر صاحب مال یا حامل جنس
 که جنس او مورد تفتیش واقع میشود حق دارد مطالبه
 رؤیت جواز مذکور را بنماید .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- موافقم .

رئیس -- آقای کیبا

کیا نوری -- عرض کنم بنده مهر سر بی را
 (بعضی از نمایندگان - بلند تر) که حالا شاید يك شکل
 دیگری بشود مهر کرد که محتاج اسرب نباشد (آقا سید
 یعقوب - مهر سنگی) و دولت بکوفتی محتاج بیکشکل
 دیگری بشود خوب میدانم و این قید لازم نیست بنظر
 بنده و دیگر آنکه در صورت مجلس تقاضا کننده امضا
 خواهد کرد یا نه . یعنی تقاضای کتبی خواهد شد یا نه ؟
 بنده این دو چیز در نظر بود .

وزیر مالیه - عرض کنم مهر سر بی گفته شده است
 برای اینکه سایر مواد معلوم است دوام ندارد (صحیح
 است) و صورت مجلس هم بطور کلی حالا هم معمول
 است که اثر کشف قاچاقی بشود ولو خیلی قلیل هم
 باند صورت مجلسی هست که چاپ هم شده برای اینکه
 که باحضور صاحب آن مال و شهود و حضار دیگر آن
 مقدار علامت و چیزهایی است که در آنجا نوشته میشود
 علیهذا در يك همچو موردی آن صورت مجلسی که
 نوشته شده است تمام قیود لازمه در آن میشود برای این
 که هیچوجه زحمتی هم برای دولت نباشد

رئیس -- آقای اورنگ

اورنگ -- موافقم

رئیس -- آقای افسر

افسر -- عرضی ندارم .

رئیس -- آقایان موافقین با ماده دوم قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند) تصویب شد . ماده سوم خوانده
 میشود :

ماده سوم - جریمه را که مطابق قانون مرتکب قاچاق
 باید بپردازد اداره انحصار مستقیماً و قبل از رجوع
 بمعاکم وصول خواهد کرد ولی در صورتی که میزان
 جریمه از بیست تومان تجاوز نماید پس از وصول جریمه
 برای تعیین مجازات حبس دو سیه را به پارکس بدایت
 محل خواهد فرستاد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اینجا حالا به آقای فیروز عرض
 میکنم در واقع يك حق قضاوتی را از محکمه جزا و
 محکمه عدلیه میخواهیم بدهیم بآن کسی که کشف این
 قاچاق را کرده است که آن کدام باشد . آن جریمه است
 که متعلق باور است . حالا بنده میدانم در اینجا در عملی
 که دارند در نظامنامه که دارند آیا وصول آن بعد از
 تنظیم صورت جلسه و در واقع صورت يك محاکمه در آن
 اداره انحصار است یا آنکه خیر به مجرد آنکه کسی مورد
 سوء ظن واقع شد یا ظن اطمینانی از برای کاشف جرم
 واقع شد که این کار را کرده است ؟ خواستم در این باب
 يك توضیحی بدهند چون انتقال دادیم ما این حق یعنی
 حق قضاوت را از محاکم باینجا که آن اخذ کردن جریمه
 است این را خواستم در اینجا توضیح داده شود که
 خیلی مهم است .

وزیر مالیه -- عرض کنم بطور کلی در موقعی که
 کشف قاچاق میشود يك عملیاتی در اداره میشود
 تا بحال همچو بنظر آمده است که این عملیات کفایت
 میکند که خلاف ترتیبی رفتار نشود و فشاری نسبت بآن
 کسی که طرف قضیه است واقع نشده باشد تا بحال هم
 یعنی قبل از این قانون جریمه بتوسط اداره اخذ میشد
 بعد از آن قانون اینطور بنظر آوردند که احاله بدهند به
 محاکم . به محاکم احاله شد و نجریه بالشان داد (بوزارت
 عدلیه و همچنین به وزارت مالیه و دوائر آن) که نه
 تنها آن جریان سبب میشود که يك مقداری از چیزی
 که دولت باید حق جریمه را اخذ کند اینها مسکوت
 و معوق بماند اصلاً يك مقدار مطالبی همینطور مسکوت و معطل
 میماند یعنی چندین هزار نفر هستند که بعد از چندین ماه
 معلوم نیست تکلیفشان چه چیز است قاچاق چی هستند
 نیستند خوب پارکس هم معلوم است باید بمرور زمان
 و به نسبت زمانی که دارد کار خودش را بکند باین
 مناسبت است که با مطالعه زیاد و با موافقت وزارت

عدلیه مخصوصاً برای زیادی این امر و از طرف وزارت مالیه هم البته برای اینکه بتواند جرائم مأخوذه را در موقع خودش بسندوق دولت وارد کند این ماده گذاشته شده است ولی به آقای آقا سید یعقوب اطمینان میدهم که به وجه منالوجوه از آن دقایقی که باید رعایت بشود در اداره کار با قید این ماده چیزی کم و کسر نخواهد شد و تمام نکات در نظر گرفته میشود

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است ؟

افسر - مخالفم آقا

رئیس - بفرمائید

افسر - آن شب قرار بود که نوشته شود که اگر در عدلیه محکوم شد وجهش را بهش پس بدهند حالا در این ماده نوشته نشده است و نمیدانم تکلیف آن چه میشود. اینجا که خواندم نبود در این ماده پس باید در ماده دیگر نوشته شود که اگر معلوم شد بی تقصیر است جریمه را باو پس بدهند و الا مخالفم

رئیس - گویا در ماده دیگر است. موافقین باماده سوم قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود: ماده چهارم - کسی که اداره انحصار جریمه از او گرفته میتواند در صورتی که منکر ارتکاب قاچاق باشد محاکم عدلیه مراجعه نماید در اینصورت اداره انحصار ترابك دوسیه امر را بمحکمه فرستاده و در صورتی که بموجب حکم قطعی مجرم نبودن شاکی ثابت شد جریمه مأخوذه مسترد خواهد گردید و هرگاه ارتکاب شاکی بجرم قاچاق ثابت شد محکمه او را بمجازات حبسی که برای مجرمین قاچاق مقرر است محکوم خواهد کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا را بنده از آنطرف می بینم رفته است. يك چیز غریبی است اگر ثابت شد این کسی که قاچاق کرده است کاشف قاچاق این را آورد به اداره در اداره آن مجازات نقدیش را آن چیزی را که باید بدهد از او گرفتند بعد دوسیه را احاله دادند به محکمه عدلیه با خودش رفت در محکمه عدلیه و در آنجا ثابت شد با نشد غرضم آن قید آخر است در صورتیکه در آنجا معلوم شود که این شخص مرتکب قاچاق واقع شده است ما اساساً کاری نداریم که در عدلیه هم چه نبرد همینکه در آنجا معلوم شد که این قاچاقچی بوده است ما که در گرفتن پول در اداره انحصار سلب مجازات حبس را از او نکرده بودیم یعنی کسی که ثابت شد که قاچاق کرده است و پول هم از او گرفته شد یعنی در اداره انحصار از او پول گرفته شد وقتی که شکایت کرد به مجردي که رفت و ثابت شد مانگفته بودیم که حبسش ازین میرود قانونی که حبسش ازین برود مافائل نبودیم بنده کسی هستم که در مقام اعظم المتجربین فی موضع النکال والنقمه در وقتی که معلوم شد این شخص قاچاق کرده است بنده هیچ معتقد نیستم که دیگر مجازات او کم بشود همینکه در محکمه عدلیه ثابت شد که قاچاق کرده است حبس او باقی است ما قانونی نداشتیم که حبس او را از بین برده باشیم که اینجا برداشته اند نوشته اند حبس درباره او اجرا بشود دیگر محتاج باین ذکر نبود.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده مخالفم

رئیس - آقای افسر.

افسر - بنده هم مخالفم باید توضیحات داده شود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - هرچه توضیحات مخالفت آمیز آقای آقا سید یعقوب جامع بود اما بنده لازم میدانم يك نکته را تذکر بدهم و آن این است که تصویب این ماده

ببخش منضمی مواد راجع به مجازات مرتکبین قاچاق (آقا سید یعقوب صحیح است) و اگر دلایلی دارد این قبیل مواد باید مجازات مرتفع شود بهتر این که تصریح بکنند در ماده پیشنهادی و دلایلش را هم شرح بدهند تا ما قانع بشویم و الا در صورتی که قانونی برانورد مجازات مرتکبین قاچاق در مملکت هست نقضش نباید بکنند و صریح هم باید باشد

وزیر مالیه - عرض کنم این مسئله که آقای شریعت زاده فرمودند نتیجه تجربه ایست که در این مدت شده است ما این ترتیبی که اتخاذ شده است موافق با نظر این عدلیه برای احتراز از طول مدت و برای زیاد و کثرت کار است در پارکه که وقت پارکه را در هم میشود گفت زیادتر از آنچه که لازم است و در معنی ما تلف میکنیم باین جهت است که اینطور وزارت عدلیه هم اینطور در نظر گرفت که میتواند رسیدگی هائی که پارکه میکنند در قسمت بدایت اینکار تا حدود بیست تومان همان کارها را در اداره بکنند بکنند و همان را کافی دانستند باین ملاحظه که اینطور در ماده گذاشته شد و چنانکه عرض کردم بنده آقای آقا سید یعقوب بنده اطمینان میدهم که آن دقایقی که سبب وضع يك ماده سابقاً شده بوده رعایت میشود و رعایت خواهد شد و از بیست مان تجاوز را هم همانطور که گفته شد.

رئیس - آقای افسر

افسر - با این نظری که گفته شد این ماده طوری که تصور میشود بعد از اینکه رفت پارکه در دفعه اول برای تعیین جرم یعنی برای تعیین جزا بعد اگر شکایت کرد به پارکه و بی تقصیری او ثابت شد پولش بگیرد این هر دو باید يك ماده متصل بهم باشد و ظاهراً این است که اگر او را فرستاد به عدلیه و بی تقصیری معلوم نشد تکلیف را همین نکرده است و موقوفه است بيك شکایت نانی و این صحیح نیست باید

این عبارت نوشته شود وقتی که او را برای تعیین جزا بیارند عدلیه میفرستند اگر معلوم شد بی تقصیر است پول او را پس بدهند و این دیگر مجدداً محتاج به شکایت نانی نیست و موکول کردنش بشکایت مجددی دیگر خوب نیست. نهایت سادگی را دارد این مطلب. اگر تقصیر ندارد پولش را پس بدهند. چرا نباید يك عریضه نانی بنویسد و يك مدت دیگری عدلیه را معطل بکند و باز تجدید مطلع بکند خوب است عبارت ساده تر نوشته شود که تکلیف واضح باشد.

رئیس - آقای ناصری

ناصری - در موقعی که يك جریمه از يك مجرمی اخذ می شود برطبق صورت مجلس است و اغلب صورت مجلس را خود قاچاقچی اعتراف و تصدیق میکند آن وجه را هم فوراً نمیدهند بآن کاشف قاچاق وجه میباشد در اداره بعد از آن که صورت مجلس در اداره مرکزی تصویب شد آن وجه داده میشود و سابقاً هم که يك قسمت از جرایم را میدادند به کشف کنندنده قاچاق در صورتی که کسی موجب اسناد و مدارك ثابت میکرد که او قاچاقچی نبوده است و باشتباه از او گرفته شده است باو مسترد میکردند مثلاً از نقطه نظر اشکالی که فرمودید که ممکن است اینجا پیش بیاید آن موضوع اعتبارات است و البته آن را هم اداره رعایت خواهد کرد.

افسر - عریضی که بنده کردم با این توضیح

اشکالش رفع نشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خطاب به منشی آقا مادره را مرحمت کنید کدام ماده بود من تعجب میکنم (اورنگ - ماده چهار -) بنده خیلی تعجب میکنم نه عریض بنده را آقای فرزین توجه کردند نه فرمایش آقای افسر را. افسر صحبت نکرد که پول بدهند به آن کشف کنندنده قاچاق !! آن مدعی که متهم شده است و

آمده است در اداره انحصار پول ازش گرفته اند همینقدر که ثابت شد بی تقصیر است دیگر محتاج بشکایت نباشد پولش را زود بهوش بدهند شما میگوئید که آیا در بودجه اعتباری برای اینکار معین نکرده است و یک چیز دیگر آقای فرزین بحرف بنده و آقای شریعت زاده هم گوش ندادند آخر اینجا فکر کنید گوش بدهید آنوقت بگوئید لفهمید . بنده عرض میکنم این ماده ضمناً نسخ میکند یک مواد قانون جزائی ما را ! این را ملاحظه کنید ضرر هم دارد برای نان !! عجب حکایتی است !! حیرتم از چشم بندی خدا !!! (خنده نمایندگان) والله خیلی غریب است !! (بیات - اینجا هم هست) ماده چهارم را من میخوانم آقایان توجه فرمایند نگاه کنید چه جور است . آقای افسر میگویند این کسی که متهم بود اگر معلوم شد که تقصیری ندارد پولش را بهوش بدهند بعد می فرمایند باید دید که در بودجه اعتباری برایش منظور شده که نان کاشف بدهند ؟ لاله الله خدا حفظ کند این مملکت را (خنده حضار) ماده چهارم : کسیکه اداره انحصار جریمه از او گرفته میتواند در صورتی که منکر ارتکاب قاچاق باشد بمحاکم عدلیه مراجعه نماید . شکایت میکند از اداره انحصار در اینصورت که شکایت کرد از اداره انحصار تریاک دوسیه امر رابه محکمه فرستاده آنجا محاکمه میگردد . در صورتیکه در محاکم بموجب حکم قطعی مجرم نبودن شاکتی ثابت شد جریمه مأخوذه مسترد خواهد شد این يك چیزی است که معطل نمیکند آقای افسر میگویند که هرگاه معین شد که مرتکب نبوده (همه هم بین نمایندگان - ماده هم مثل فرمایش شما است) صبر کنید صبر کنید موافقین و هرگاه ارتکاب شاکتی بجرم قاچاق ثابت شد محکمه او را بمجازات حبسی که برای مجرمین قاچاق مقرر است محکوم خواهد کرد . ابراد بنده و آقای شریعت زاده این بود که این محتاج باین نوشتن در اینجا نبود برای اینکه نوشتن این عبارت در اینجا یعنی چه یعنی آن وقتی که این ترتیب واقع شد یعنی در اداره انحصار کار تمام شد

و آقای مشارالمملک را بوزارت مالیه (صحیح است) و حکم سلبدار بنده این لایحه که مطرح است موادش را خود آقای فرزین که مسبوقند مدافعه خواهند کرد (۷ بقیه مذاکرات لایحه جلوگیری قاچاق) رئیس - ماده چهارم قرائت میشود (مجدداً خوانده شد) جمعی از نمایندگان - ختم جلسه رئیس - آقای افسر

افسر -- برای تسهیل امر چنین قرار شد که جرم قاچاق را بعد از محاکمه اداری که میشود و برای جزایش عدلیه فرستاده میشود که تکلیف مقرر معین شود و این جور که خواندند ماده را بنظر بنده اصلاً عبارت محاکمه اداری بگوشم نخورد البته چون این لایحه در پیش بنده نبود نمی توانم تحقیقاً عرض کنم این جا گویا لفظ متهم تصریح نداشت که محاکمه اداری میشود و در محاکمه اداری جرم ازش گرفته میشود اگر نوشته است ولی از نظر بنده محو شده است برای بنده توضیح فرمایند والا معلوم نیست که جرمش را چه وقت و کی میگیرند به مجرد اینکه اتهام واقع شد یا مظنون شد یا لااقل محاکمه اداری رفت این را باید توضیح بدهند و بگویند در اینصورت است که مالیه میفرستد به عدلیه بعد هم در این جا عبارتی نمی نویسند که جرم این را پس بدهند یا نه ؟ ولی در ماده دیگر ماده چهارم می نویسند که اگر از این کار شکایت داشت یعنی از این تجاوزی که در حق او شده است و بی تقصیر بوده است آنوقت میتواند جرمش را پس بدهد بنده عرض میکنم آنوقت يك دعوائی است بر دولت و باید برود به محاکمات عدلیه بر فرض اینکه نوشته اند اینجا که برود به عدلیه آنوقت يك اشکالاتی از او تولید میکند و محکمه که وقتش خیلی لازم است و میفرمایند یار که با محکمه وقتش خیلی لازم است و یکی از مستندات تغییر این قانون است از بیانند و علی الظاهر خودشان را معطل کنند و از

نو يك عرض حالی بدهد پس خوب است يك چیزی ضمیمه این ماده فرمایند که وقتی مالیه فرستاد عدلیه یا پارک اگر بی تقصیری متهم معلوم شد فوراً پولش را پس بدهند که کار مردم آسان بشود و اسباب معطلی نشود حالا که در قسمت اولش عدلیه رجوع نکردید و محاکمات اداری را کافی دانستید اینجا هم يك چیزی ضمیمه فرمایند که وقتی او بی تقصیر بود دیگر اسباب معطلی او نشوند و محتاج به رضای ثانوی هم نباشد و فوراً دولت جریمه که از او گرفته است پس بدهد این بود عرض بنده . فرزین - این مسئله گمان میکنم که در ماده صریحاً نوشته شده است ملاحظه فرمایند يك نفری که متهم یا مظنون میشود بقاچاق در صورتی که وارد میشود در مراحلی که از او يك قاچاقی بدست آمده باشد جریمه میشود چون جریمه وقتی تعلق میگیرد که قاچاق بدست آمده باشد ولی بصرف اینکه طن بیک نفر برود که فلانکس قاچاقچی است که جریمه از او اخذ نمیشود البته از او جریمه از او اخذ نمیشود جریمه وقتی اخذ میشود که قاچاقی از دست او گرفته شود اگر قاچاق از دست او گرفته شد جریمه هم معادل قاچاق از او گرفته میشود چنانچه در ماده قبل هم ذکر شده است که تا بیست تومان عملش در خود اداره ختم میشود و اگر علاوه بر آن شد به پارک فرستاده می شود و حالا این جا در واقع همان رعایت ارفاق بوده است برای عدالتی که نسبت بشخص مظنون یا متهم میکنند پس موارد را باید تفکیک کرد بسا اتفاق می افتد که يك چیزی از دست کسی گرفته میشود و بهمان دلیل هم جریمه از او اخذ میشود اگر از بیست تومان بیابا باشد و شخص مظنون واقماً خودش را قاچاقچی نداند و امروز به قاچاقچی گری گرفته شده است و مظنون به قاچاقچی گری است باید بیار که مراجعه کند و البته در باره مطالبش را اظهار میکند و باره هم رسیدگی میکند اگر قاچاقچی نبود البته بعد از احاله شدن بیار که احقاق حق را در باره او میکنند ولی يك مورد

این بحسب برده نمیشود یعنی همچو قاچاقی را دیگر مجازات نمیکند بنده عرض میکنم مگر نه قانون مجازات این است که وقتی مجرمیت آن مجرم ثابت شد قانون بود او حکومت میکند و قانون بر او وارد است و باید بد شود و برود بحسب نه اینکه همینکه پول ازش گرفته شد (اداره گرفت) دیگر برود بی کارش خیر مانع نمیکند برای اینکه قطع نظر از عوائد مالیه ای اخلا جامعه را هم درست کند درست کردن اخلاق جامعه است که کسیکه قاچاق کرده است مجازات و حبس مطابق قانون مجازات عمومی این است حرف بنده حرف آقای افسر

رفیع -- تنفس داده شود دکتر عظیم - ختم جلسه آقا بعد از ظهر است عراقی - بنده با ختم جلسه مخالفم اجازه میفرمایند رئیس - عرض کنم که برای مشاوره لازمی در اداره اداری مجلس بنده احتیاج مختصری به آقایان دارم بعلاوه شعبی هم که باید منعقد میشد و اعضاء کمسیون بودجه را انتخاب میکرد امروز صبح موفق نشده است چون اعضا شان کامل نشده و هیئت رئیسه کمسیون بودجه جدید هم میبایستی تعیین شود و چون بعد از این عمل شاید حضور آقایان در مجلس ضرور باشد خواهش میکنم که موافقت فرمایید به تنفس و مجلس را ختم نکنیم . (نمایندگان صحیح است) (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از آن (نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

(۶ معرفی آقایان وزیر امور خارجه و وزیر مالیه) رئیس -- ماده چهارم یکبار دیگر قرائت میشود... آقای رئیس الوزراء -- (آقای هدایت) . نظر باین بود که برای وزارت خارجه قراری داده شود و فکری بشود لهذا آقای فرزین را بسمت وزارت خارجه معرفی میکنم

دومی هم دارد و آن وقتی است که از يك دست مال قاچاق را میگیریم یعنی مأمور دولت بگیرد و جریمه هم از او اخذ بکند ولی او مدعی باشد که این قاچاق نیست و ممکن هم هست و مواردش هم اتفاق افتاده است طوری واقع شده است که بنظر قاچاق آمده است و باین عنوان ضبط شده است ولی حقیقه قاچاق نبوده است بعد مراجعه میکنند این است که راه حق مراجعه باو داده شده است و در باره رسیدگی میشود مثل کسی است که در واقع يك ظلمی بر او وارد شده است در ب نظلم برایش بازهست البته مراجعه میکند و پس از اینکه برائت او حاصل شد البته جریمه را همش مسترد میدارند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

افسر - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - برای خاطر اینکه آقای فرزین توجه بفرمایند و تصدیق بفرمایند که این ماده در این جا خیلی مبهم است عرض میکنم مفهوم ماده این است که بمجرد اینکه متهم واقع شد اداره انحصار از او میگیرد يك بیانی هم آقای ناصری کردند شاید بنده بکفوری تند رفتم ولی معلوم شد که در عمل بوده اند و مستحضرنند . بمجرد اینکه این پول از او گرفته شد میبرد جزو عواید و آنوقت میبرد در خزانه و آنوقت محتاج بيك لایحه جدیدی میشود چون رفته است جزو عواید و باید يك لایحه آقای وزیر مالیه بیاورد و در يك کشمکش واقع میشود نقد گرفته است ولی حالا میگوید سر سال بعد از قیامت بیا بگیر در اینصورت يك ظلمی باین متهم بیچاره بدبخت وارد میشود و باین ترتیب باید آقای وزیر مالیه با آقای فرزین توضیح بدهند و از این جا این نظر را تأمین بکنند که این پولی که گرفته میشود جزو عواید نخواهد رفت و این پول در صندوق علیحده میماند و بعد از

آنکه در عدلیه محاکمه متهم واقع شد آنوقت میبرد بخزانه دولت نه اینکه بمجرد اینکه متهم واقع شد برود جزو عواید این را توضیح بدهند واضح کنند که جزو عواید نشمارند که آنوقت اولاد و احفادش هم در کشمکش واقع بشوند و بگوبند این از دعاری بر دولت است اینها را باید معلوم کنند که این چیزها نباشد

فرزین - بنده انتظار آقای آقا سید یعقوب را نابین میکنم باین که اگر اخذ جریمه شد و در باره بعد از رسیدگی معلوم شد و برائت ذمه او حاصل شد اصل مبلغش را که بعنوان جریمه داده است باو مسترد نمایند نسبت باین که این مبلغ در اداره مؤسسه انحصار چه جور گرفته میشود و در کجا ضبط میشود و چطور باو مسترد میشود اینها بيك امری هست داخلی ولی بعد از آنکه حکم برائت ذمه خود را از بار که عدلیه بدست آورد مبلغی را که بعنوان جریمه از او گرفته شده است باو مسترد خواهد شد

بعضی از نمایندگان - فوراً باید پس بدهند

رئیس - پیشنهادی از آقای طهرانی رسیده است قرائت میشود پیشنهاد می کنم ماده چهارم باین ترتیب اصلاح شود :

طهرانی - بنده مسترد میدارم تأمین شد

رئیس - مسترد میدارید ؟

طهرانی - بله

رئیس - رأی گرفته میشود ماده چهارم موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

فیروز آبادی - ختم جلسه . . .

رئیس - بنده تعاقب میکنم تصمیم فراقسیون را

ماده پنجم قرائت میشود :

ماده ۵ - مأمورینی که برخلاف واقع کسی را منتهی ارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند مجبران خسارتی که بر اشخاص وارد آمده محکوم بعلاوه مطابق قوانین جزائی مجازات خواهند شد .

بعضی از نمایندگان - بکمرتبه دیگر قرائت شود (مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

عده از نمایندگان - صحیح است مخلفی ندارد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - برای کاشفین ما بيك مزایا و حقوقی قائل ندیم در آن جا و گذاشتن اینماده هم در اثر عریضی بود که بنده در فراقسیون کردم . هستند بيك مأمورین و مستخدمینی که مزاحم مردم میشوند و روی غرض شخصی و نظر خصوصی می آیند تریاک را نوبی دکان می اندازند و آنوقت میگویند این قاچاق است و آنها را جلب میکنند اینجا برای مأمورینی که مرتکب بيك همچو عملی میشوند عقیده بنده بيك مجازات خیلی کوچکی قائل شده اند بنویسد : علاوه بر جبران خسارت متهم مورد تعقیب جزائی واقع خواهد شد جبران خسارت متهم را بنده میدانم چه خواهد بود جز اینکه بيك شخص را شرافتش را ببرد آن مأمور چطور جبران میکند بعلاوه موارد تعقیب جزائی بيك مراحمی دارد که آن بیچاره از عهده بر نخواهد آمد بنده بيك پیشنهادی هم در این باب تقدیم کرده ام که بيك همچو مأموری که این جور اسباب زحمت برای اشخاص فراهم میکند باید از خدمت دولتی منصرف شود و این را اگر علاوه بفرمایند گمان میکنم تا بيك اندازه حقوق مردم تأمین خواهد شد

بعضی از نمایندگان - صحیح است

فرزین - (وزیر امور خارجه) بنده گمان میکنم حاله این مطلب به قانون جزا کفایت بمنظور آقای اعتبار میکند (بعضی از نمایندگان - کفایت نمیکند) برای اینکه تمام این مطالب در قانون جزا با مطالعه نسبت

تمام موارد ممکنه پیش بینی هائی کرده است و بيك قانونی است معتبر در مملکت اجرا میشود (احتشامزاده آنجا افزاست) و در این مورد هم اجرا میشود در این مورد کشف قاچاق هم اعتقاد بنده این است که مقتضی و مناسب این است که ما احاله بدهیم بهمان قانون جزا .

اعتبار - قانون جزائی ندارد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم آقای فرزین این احاله را که میفرمایند البته قانون جزا هم جور اینها را دارد ولی در قانون جزا فقط بکلمه راجع به افتراء دارد و در نحت بکلمه افتراء و مجازات آن جبران رفتن شرف آن بیچاره را نمیکند (نمایندگان - صحیح است) که باین عنوان آن بد بخت را گرفتارش کرده اند و این هم مخالفی با قانون جزا پیدا نخواهد کرد که در اینجا این لغت نوشته شود که همچو آدمی از خدمات دولتی ابداً منصرف خواهد بود و این ضرری ندارد و هیچ مخالف با قانون جزا هم نیست برای اینکه هم قانون کامل و صحیح نوشته شده و هم مردم باعتقاد این دلخوش باشند که دیگر کسی نمیتواند بیاید تریاک نوبی دکانش بیندازد (نمایندگان - صحیح است)

فرزین - آن چیزی را که بنده عرض کردم تصور نفرمائید که منظور صرف دفاع از ماده است بلکه از معنای منظور است در عمل . در قانون جزا تمام موارد مختلفه را دارد اگر نسبت بيك کسی خسارت وارد آمد از هر قبیل که هست موارد ممکنه را در قانون جزا پیش بینی کرده اند بنده عرض میکنم که انحصار باین ندارد و ممکن است که ماده نا بدست نا قانون دیگر بیاوریم از این قبیل و اگر ما نخواهیم شرح قضیه را با اعمال مختلفه و با مجازات متعلق بآنها را در آنها بکنجانبیم خودش انواع و شقوق مختلف پیدا میکند که ممکن است از نظر ها فوت شود ولی وقتی احاله کنیم بقانون

جزا در آنجا تفصیل داده است و دست و پای ما را بیشتر باز میکند و بهتر میتواند آن چیزی که منظور ما است تا همین کند . شریعت زاده - بنده باماده از جهت موافق هستم و از جهت نظر مخالفت آمیزی دارم جهت موافقت راجع است باینکه کافی است ارجاع بقانون مجازات برای اینکه در آنجا تحت عناوین راجع بمأمورین دولت که سوء اعمال وظیفه میمانند مجازاتهایی معین شده است و برای آن اشکالی نیست اما قسمت مخالفت بنده در این است که يك جمله در اول این قانون نوشته شده که ممکن است مانع از انجام وظیفه مأمورین شود برای اینکه تشخیص اینکه يك کسی قاچاقچی است بر طبق يك دلالتی باید بعمل بیاید که مطالعه در آن دلائل و تحصیل نتیجه يك امر نظری است ممکن است يك مستخدمی یا يك مأموری مطابق يك دلالتی تشخیص بدهند که این شخص مجرم است ولی در معنی این صحیح نباشد البته این تطبیق میشود با این دو خلاف واقع است یعنی چه یعنی واقعا این آدم قاچاق نیست بنا بر این کلمه بر خلاف واقع بین مأمورین شیوع پیدا میکند حتی در موقعی که به غرض شخصی هم يك کاری را بکنند (بیات - غرض از کجا معلوم میشود) بنا بر این بنظر بنده بهتر این است که بجای عبارت بر خلاف واقع بنویسند برای اعمال غرض یا مغرضانه و غرض شخصی (بیات - معلوم نمیشود) که این اشتباه را رفع کند و برای مأمورین هم اشکالی تولید نکند .

فرزین - بنده از طرف آقای وزیر مالیه قبول میکنم که عوض خلاف واقع نوشته شود در صورتیکه اعمال غرض بشود (صحبت بین نمایندگان .. زنك ..) اعتبار - دنباله را هم قبول کنید .

فرزین - اگر نسبت بدنباله مطلب یعنی انفصال میفرمائید خواست رعایت يك نکته هم بشود گمان میکنم برای تشویق کردن مأمورینی که برای کشف قاچاق زیاد تعیین میشوند يك رويه و نظر دیگری اتخاذ شود بهتر

خواهد بود و مارا بممل زدبکتر خواهد کرد . راجع بمأمورین هم که آقا اظهار نگرانی میفرمائید که خلال واقع با اعمال غرض نمایند در قانون مجازات عمومی مجازاتهایی پیش بینی شده است و اصلا تقدیم این لایحه هم کفایت میکند برای این منظور و بنا بر تجربه که شد ضرورت و لزوم يك همچو چیزها و جلوگیری های مخصوصی از طرف مأمورین دولت محسوس بوده است و این لایحه روی همین اصل تقدیم شده راجع بمأمورین که آقا اظهار نگرانی فرمودند عرض کردم در قانون مجازات کلیه متخلفین مقرر است از طرف دیگر رعایت يك نکته را هم باید کرد و آن این است که مأمورین ما هنوز شاید در حدود وظیفه خودشان اینها روشن نیستند که بدانند اعمال غرض موارد ممکنه اش چه چیز است و آنها را در نظر بگیرند کلمه انفصال هم اگر در اینجا گذاشته شود بنده عرض میکنم همانطوری که میخواستیم از اصل قضیه جلوگیری کنیم از وظیفه او هم جلوگیری خواهد شد . آخر التفات بفرمائید کار را باید طرفینش را ملاحظه کرد ما میخواهیم جلوگیری کنیم از قاچاق و تجاوز با عملیات و غرض شخصی و اعمال غرض مأمورین دولت این است لایحه که تقدیم شده ولی در ضمن آن اگر میخواهیم کلماتی بگذاریم که آن کلمه باندازه مرعوب و مأیوس کند آن شخص مستخدم یا مأمور را یا اتفاق می افتد که دنبال مأموریت خودش نبرد این است که عرض میکنم شما وقتی محول کردید بقانون جزائیم مواردش را دارد دو طرف میشود یکی متهم یا مظنون و یکی هم مأمور میروند در محکمه و تمام اینها رسیده می شود و در صورتیکه اعمال غرض کرده باشد در هتك احترامی کرده باشد و غرض شخصی بکار برده باشد تمام این موارد تکلیفش در محکمه جزا معین میشود در حدود مجازاتش هم مطابق قانون مجازات عمومی مقرر شده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - بنده کم کم خوشوقت میشوم که توجه بعرض شد این قانون يك قانون با اهمیتی است که هرچه درش مطالعه بشود هم برای آقای فرزین که فرمودند ما مسئولیت مشترک داریم ناقص است و هم برای دولت چون بکنفر که مسئولیت ندارد همه مسئولیت دارند هم آقای مشار الملک که وزیر مالیه هستند و هم آقای فرزین که وزیر امور خارجه هستند نه اینکه اگر يك سختگیری بشود در قانون آقای فرزین بگویند من در وزارت خارجه هستم خبر همه شاف مثل هم هستند گرفتارند عقیده بنده این است که این ماده را بیابید بکماده علیحده کنید برای اینکه آقایانی که در کمیسیون عدلیه بوده اند میدانند در موقعی که قانون جزای عمال دولتی را آورده اند و گذشت آقای جشیدی همه بودند بوند که تقدیم که این قانون جزا را بطور سختی بنویسید که اگر مأمورین دولت خلاف واقع گفتند یا اعمال نظریات کردند در این قانون بنویسیم و يك قانون علیحده بنویسیم برای اینکه این قانون بيك روح تندی میخواست بنژاد و يك دفعه آنجا نگویند او نخوری زمین این را از همان اول جلوی اسب را بگیرند . مثلا در کمیسیون عدلیه صحبت کردیم که اگر مأمورین دولت اعمال غرض کنند آقای جهانشاهی نظرمان هست پیشنهاد شما بود

(جهانشاهی - بلی صحیح است) قانونی که

الان ما بنویسیم برای جزای عمال دولتی که نظر عامه ما بر اصلاح کردن ادارات است در يك قانون دیگر بنویسیم که اگر مأمورین دولت اعمال نظر کردند خلاف واقع گفتند یا يك تعدیاتی کردند در آن قانون مجازاتش را بنویسیم نه در این قانون چرا ؟ چون آن روح و حرارتی که در این قانون خواستیم جلوگیری کنیم از بین میرود . حالا آقای اعتبار میفرمائید در فراکسیون من صحبت کردم و شاید دولت هم اول نظرش این بود : و همین شقی که بنده پیشنهاد کردم (چون آقای وزیر عدلیه هم بودند) در این قانون ذکر شود

و آقای فرزین وزیر مالیه سابق هم موافقت کنند که در اینجا ذکر شود . حالا آقای احتشام زاده نظر کردند مجازات مفصلی برای اینکه اگر مأمور دولت بر خلاف واقع چیزی را بگوید در اینجا بنده ندیدم اعتبار - هست

آفاسید یعقوب - نیست آقا نیست آقا نیست چون نیست عرض میکنم ما می آئیم يك پول نقدی را بکاشف میدهیم اما اگر خطا کرد چکارش کنند ؟ نمیدانم شما میفرمائید ما احاله میدهیم بقانون مجازات ولی در قانون مجازات ندارد چنین چیزی اگر انفصال ابدي را زیاد میدانید یکماده در اینجا بگذارید و يك مجازات دیگری معین کنید و الا این حواله دادن بيك چیزی است که ابدأ وجود ندارد این مسئله را آقای شریعت زاده هم فرمودند که ممکن است اعمال غرض بکند ما که نمیتوانیم قوانین از برای حالات مردم بنویسیم ما نظرم آن بوقعیات است اگر کسی آمد خلاف واقع گفت این نظر شخصی دارد ما چه می فهمیم ؟ ما که عالم السر و الخفیات نیستیم اقا (بعضی از نمایندگان گان - صحیح است) قوانین را که برای حالات روحیه مردم نمی نویسیم برای اعمال مینویسیم اگر در پارک معلوم شد که برخلاف واقع این کار را کرده است باید مجازات شود (صحیح است) این است عقیده بنده که حالا که آقایان وزراء تشریف دارید اینجا هرچه نظرمان است مجازات را اینجا معین کنید و الا قانون جزا مجازات برای همچو کسی معین نکرده است یا این ماده را بردارید و ماده علیحده بیاورید که اگر مأمور کشف قاچاق برخلاف واقع کاری کرد فلان مجازات را دارد یا اگر مطابق پیشنهاد آقای اعتبار میخواهید در این قانون باشد صریح معین کنید اینجا صریح نیست

فرزین - لطف بفرمائید بنده فکر این نیستم که در مجازات مجرم تخفیفی داده شود خیر باشد احوال آن کسیکه بی جهت هتك احترام کسی را بکند یا بنا بر

غرض شخصی نخواهد مال کسرا در معرض تلف بیندازد باید مجازات بشود ولی منظور بنده این بود که عرض کردم کله انفصال در اینجا شامل می شود بیک مورد مختلفه (اعتبار چیز دیگر بگذارید) که آن بد بخت واقعاً نمیتواند کار کند. اگر بخواهیم موارد مختلفه را معین کنیم گمان میکنم که جایش در این قانون باشد اگر آطوریکه آقای آقا سید یعقوب میفرمایند بنده موافق هستم که بیک ماده بیاورند برای اینکه اگر بیک کسی برای کشف چیزی خلاف واقع گفت با اعمال غرض شخصی کرد مجازات بشود و آن موارد را هم معین کنیم. اما مصرف اینکه اگر بیک کسی بر خلاف واقع کاری کرد منصرف است این از عدالت خارج است در عین اینکه ما میخواهیم نسبت بیک جماعتی عدالت کنیم نسبت بیکمده دیگری بی عدالتی میشود. بعلاوه تطبیق کردن موارد مختلفه که اتفاق افتاده است اگر ما بخواهیم معین کنیم در این قانون نمیشود بنده حرفی ندارم ممکن است از آقای وزیر عدلیه خواست کنیم بیک ماده بیاورند که نه تنها شامل این مورد شود بلکه تمام موارد در ملکات در نظر بگیرند که هر مأموری که در حین انجام وظیفه اعمال غرض شخصی نسبت بکسی کرد یا هتک احترام کرد یا مال کسی را برد چطور مجازات شود این را بنده موافق هستم.

جمعی از نمایندگان - صحیح است - مذاکرات کافی است دشتی - حل نشده است

رئیس - آقای زوار (نبودند) آقای کیای نوری کیا نوری - بنده موافق هستم .

رئیس - آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ جمعی از نمایندگان - بله

بیات - بنده عرض دارم

رفیع - پیشنهادات قرائت شود .
رئیس - پیشنهاد آقای رفیع :
پیشنهاد میکنم در ماده ۵ اضافه شود بر خلاف واقع و مغرضانه
رئیس - بفرمائید

حاج آقا رضا رفیع - از پیشنهاد آقای شریعت زاده و قبول کردن آقای وزیر امور خارجه یعنی از طرف آقای وزیر مالیه بیک سوء تفاهمی پیش آمد ممکن است هرکسی بیک اقدامی بکند بعد بگوید مغرضانه نبوده است ثابت کردن مغرضانه بودن بیک قدری اسباب اشکال است این را هم برای اطلاع آقای آقا سید یعقوب عرض میکنم که این ماده را آقایان رأی میدهند از نقطه نظر ماده آخرش برای اینکه آقایان میدانند و می بینند که مأمورین نسبت مردم اسباب زحمت میشوند (نمایندگان - صحیح است) شما حالا میگوئید بیک قانون علیحده بیاورند بسیار خوب این باشد هر وقت هم میخواهند آن لایحه را بیاورند . بجهت اینکه مأمورین هم باید بدانند مکلفند که از روی قانون و از روی اوامری که وزارت مالیه میدهد باید رفتار کنند آن چیزی را که دولت امر میکند باید اجرا کنند آنها مأمور دولتند مأمور شخصی نیستند که برای مردم اسباب زحمت فراهم کنند . آقا ملاحظه بفرمائید این کله مغرضانه یا خلاف واقع هر کدام که جداگانه باشد منظور آقا را نامین نمیکند ولی وقتی که توأم شد جم میشود بین عقاید همه آقایان و با هم دیگر همه رای میدهند

رئیس - نظر دولت چیست ؟
فرزین - با اضافه کله مغرضانه موافقم

رئیس - بر خلاف واقع و مغرضانه . آقای افسر م موافقت ؟

افسر - حالا که قبول کردند ماده هم که پیش ما نیست تا بفهمیم موافق هستیم یا مخالف ماده را بخوانند تا بفهمیم .

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۵ - مأمورینی که بر خلاف واقع و مغرضانه کسی را مجازات کرده و موجب مزاحمت بیاورند بجزایر خسارتی که بر اشخاص وارد آمده و زیادهای وارده مطابق قوانین جزائی مجازات خواهند شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - آقای حاج میرزا محمد رضا ملاحظه بفرمائید که این ترتیب ثانی چطور میشود چون بنده میدانم در محاکم عدلیه بجهت اندازه رعایت ظاهر قانون میشود این بد بخت هم از این دو قید بیرون نمی آید .
این جا شما نوشتید خلاف واقع و مغرضانه بنده می آید میگوید خلاف واقع است مغرضانه نیست بکمترتبه میگوید خلاف واقع و مغرضانه است این بد بخت را وسط می اندازند چون بنده تمام قوانینی را که وزیر عدلیه می آورد قضاة بقدری قوام قانون و عبارت آن اشکال تراشی برای مردم کنند که هیچ نمیتوانند بیرون بیاوند . بنده خواستم عرض کنم که شما از آن شرح صدور نفوس پاکتی که دارید نسبت مردم تعدی نشود این منظور را باید صریح قید بفرمائید تا معلوم شود که یکی از این دو ناست باخلاف واقع است یا غرض و الا اگر دو تا را توأم کردید هیچ حکمی نمیتواند رأی بدهد این است که خواست عرض بدهند و بنویسند خلاف واقع یا مغرضانه یکی از این دو تا حالا دیگر خودتان میدانید .

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است خوانده شود :

ماده ۵ پیشنهاد میکنم این جمله اضافه شود :
درود بجزایر خسارات وارده بشخص متهم . بانفصال
یعنی از خدمت دولت المنح .

رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - این جا بنده موافقم . با پیشنهاد آقای

رفیع و خواست که نوشته شود خلاف واقع یا مغرضانه ولی نتیجه اش چیست ؟ جبراً خسارت متهم و بعد هم احاله بقانون جزا که چیزی درش ندارد . در هر صورت حالا که این قسمت را زیاد میفرمائید پس برای کسیکه همه چیز بکنند را از بین میبرد اقلانش ماه انفصال قائل شوید . اگر چنانچه بیک کسرا از همه چیز از حیثیت از شرافت از همه چیز انداخت اقلای برای او شش ماه انفصال قائل شوید که بیک مدتی از خدمت دولت منصرف باشد

بعضی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - آقای افسر

افسر - آن چیزیکه بگوش بنده رسید خلاف واقع و مغرضانه بود ولی نمیدانم که این ماده چطور کفایت میکند . بنده نمیدانم که مغرضانه چطور معلوم میشود یا چطور تشخیص واقع را میدهند . البته هیچکس نمیتواند تشخیص واقع را بدهد مطابق عقیده علماء این مطلب برهن است که مطابق صدق و کذب تشخیص میدهند که این واقع است یا خلاف واقع این عقیده است . عقیده اش این است که این صحیح است یا صحیح نیست و الا واقع در دست نیست و نمیتوانند تشخیص بدهند آن شخصی که متهم میشود . با آن چیزی که آقایان فرمودند که اگر بخواهند جلوگیری از قاچاق بشود باید مأمور هم تعقیب بکند از این کار . خوب اگر مغرضانه باشد که همه اش غلط میشود بجهت اینکه ممکن است این مغرضانه باشد ولی طرف مقابل هم قاچاقچی باشد مثلاً پسر عمویش را کشته است البته غرض شخصی هم داشته است و با همه اینها رفته است این قاچاق را هم گرفته است و دلالی هم داشته باشد که بتواند ثابت کند که این قاچاق کرده است لازم نیست که محضاً رفته باشد ممکن است که غرض داشته باشد و خواسته است که آن شخص را هم بزحمت بیندازد ولی قاچاق هم در واقع بوده است پس مغرضانه کافی نیست به تنهایی . مأمور تقنین

که ماهی بیست نوامی حقوق میگیرد که هیچ شمام نمی توانید همچو تمهیدی را بکنید که هرکاری را معلوم کنید که مطابق با واقع است یا خیر خلاف واقع است. واقع که در دست ما نیست لهذا اگر بخواهیم این ماده را درست بکنیم باید خلاف واقع و مغرضانه هر دو توأم باشد و الا هر کدام جدا باشد کافی برای این ماده نیست

رئیس -- آقای دشتی و جماعتی از آقایان پیشنهاد کرده اند که قبل از اینکه رأی جازمی باین ماده بکنیم جلسه را ختم کنیم (جمعی از نمایندگان - صحیح است) بنده هم چون می بینم رو بروی بنده پیشنهادات و مواد الحاقیه زیادی است که آن منظور ما که میخواهیم در همین يك جلسه قانون را تمام کنیم گویا حاصل نشود از اینجهت اگر موافقت میفرمائید بگذاریم متممش را برای جلسه آینده ...

دشتی - آقایان وزراء هم زودتر تشریف بیاورند که در يك کمیسیون مذاکره بشود

رئیس - تا يك مطالبی هم شده باشد و توافق نظری بعمل آمده باشد که مطلب مشوش نباشد

فیروز آبادی - خوبست جلسه بیشتر بشود

(۱۰) موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - جلسه آتییه . قبل از این که جلسه آتییه را هم معین کنیم لازم است که خاطر آقایان متوجه کنم که نه کارهایی که مربوط بکمیسیون بود قدیم است و نه کارهایی که مربوط بکمیسیون بود جدید است در جریان نیست برای اینکه از کمیسیون بودجه قدیم جمعی استفاده اند که بالفعل اکثریت بود کمیسیون بودجه جدید هم چون هیئت رئیسه شان اندک نشده کار نکرده اند حالا هم که ما خواستیم درخواستها را انتخاب کنیم اتفاقاً ورود آقای رئیس الوزراء و در موجب شد که سریعاً بمجلس برگردیم و موفق شد بنا بر این بنده تمنا میکنم از آقایان که در اول جلسه روز یکشنبه (که جلسه را تعیین خواهیم کرد) چهار بظهر مانده تشریف بیاورند و این نواقص را تذکر کنند چون تعلق آقایان را تجربه کرده ام که به تذکره درکارهای عملی و گذراندن آنها زیاد است و بنده امیدوارم که تذکر داده و یاد آوری کنیم در اینصورت موافقت بفرمائید جلسه آتییه روز یکشنبه سوم آذر

دستور هم بقید مذاکرات امروز

(مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر